

# انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۱۰۵۴

شنبه ۱۸ آذر ۱۴۰۲، ۹ دسامبر ۲۰۲۳

پیوند ۱۶ آذر امسال با  
انقلاب زن زندگی آزادی

شهلا دانشفر

۱۶ آذر روز دانشجویان پشت سر گذاشتیم. روزی که مستقیماً به انقلاب زن زندگی آزادی پیوند دارد و پیوند خود را با بیانیه‌هایش نشان داد. به این دلیل روشن که دانشگاه یک سنگرمهم انقلاب زن زندگی آزادی بود. امسال دانشجویان از قبل به استقبال این روز رفتند. شعارنویسی‌های فراوانی شد و بیانیه‌های بسیاری داده شد و وقتی قرار شد قالیباف این مهره جنایت‌کار حکومتی در پانزده آذر به دانشگاه برود، با شعارنویسی و نوشتن قاتل برو گمشو، و با اعتراضشان جواب این جنایت‌کار و حکومتیان را محکم دادند.

بیانیه تاریخی شانزده آذر امسال از سوی دانشجویان از سراسر کشور به مناسبت این روز مهر انقلاب زن زندگی آزادی را داشت. در همان سرتیترش این بیانیه شانزده آذر را نماد ایستادگی و مبارزات دانشجویان برابر هرگونه دیکتاتوری می‌خواند که امسال برای دومین بار "به نام زن - زندگی - آزادی" بر پا می‌شود. در سر سخن این بیانیه چنین آمده است: "از یک سال گذشته یعنی از ۱۶ آذر قبلی که همراه بود با فراخوان سه‌روزه ۱۴، ۱۵ و ۱۶ آذر، تا این روزها و همزمان با نزدیک شدن به ۱۶ آذر امسال، ما دانشجویان در سراسر کشور یکی از مؤثرترین جنبش‌های مبارزاتی (جنبش دانشجویی) در تعیین سرنوشتمان به دست خودمان را به پیش برده‌ایم. ما دانشجویان مبارز، پیشرو، انقلابی، رادیکال، مدافع برابری، سکولار و آزادی‌خواه؛ در عملکردمان نشان دادیم که یکی از فعال‌ترین و متشکل‌ترین بخش‌های جامعه برابر جمهوری اسلامی و یکی از سرسخت‌ترین بخش‌های جامعه در مبارزه علیه این رژیم بوده و هستیم. ما دانشجویان، انقلاب «زن، زندگی، آزادی» و تداوم آن در تمام شکل‌های میدانی و سیاسی را زندگی کرده‌ایم و دقیقاً به همین دلیل است که جمهوری اسلامی از آغاز سال تحصیلی جاری، سنگین‌ترین و سخت‌گیرانه‌ترین ادوات کنترل خود را روانه دانشگاه‌ها کرده و تمام تلاشش را به کار گرفته تا دانشگاه را تبدیل به پادگان نظامی کند."

بیانیه‌ای رزمنده که با فریاد ایستاده‌ایم تا پایان و شعار جمهوری اسلامی نابود باید گردد، پیروز باد انقلاب زن، زندگی، آزادی سخن آخیش چنین است: "ما اعلام می‌کنیم که این روند نخ‌نمای سرکوب توسط حکومت در دانشگاه‌ها برای متوقف کردن انقلاب «زن زندگی آزادی» و مهار فعالین دانشجویی و حاکم کردن حجاب و تفکیک جنسیتی و نیروهای سرکوب، امنیتی، عقیدتی، نظامی و شبه‌نظامی همچنان که

ادامه در صفحه ۲



## حزب در آئینه انقلاب زن زندگی آزادی

متن سخنرانی حمید تقوایی

صفحه ۳

## جنگ غزه و سقوط ارزش‌های انسانی

میلاد رابعی

صفحه ۷

## ثابتی و آخرین میخ بر تابوت سلطنت

کاظم نیک‌خواه

صفحه ۸

## سیاست فاشیستی حکومت

## در قبال پناهندگان افغانستانی را محکوم کنید!

محمد شکوهی

صفحه ۹

## اطلاعی‌های هفته اخیر

صفحه ۱۱

در دانشگاه تهران با هجوم نیروهای نظامی به دانشگاه، جان باختند، یاد جانباختگان انقلاب را گرامی داشتند. در بخشی از بیانیه این شورا آمده است: "حضور تعیین کننده و روزهای درخشان جنبش دانشجویی در انقلاب زن، زندگی، آزادی به عنوان نیروی محرکه عروج و اعتلای آن، حکومت را به سازماندهی گسترده برای انتقام گیری و سرکوب جنبش دانشجویی سوق داد. همپای سرکوب های خونین در خیابان ها، پروژه ارباب و حذف دانشجویان و اساتید و منتقدان از دانشگاه ها همچنان ادامه دارد. همراه با بازداشت و حبس دانشجویان، تصویب آئین نامه های ضد دانشجویی، تعلیق و اخراج دانشجویان و اساتید، محرومیت از حق تحصیل تعداد زیادی از دانشجویان با صدور احکام فله ای و ناعادلانه، افزایش ابزارهای نظارتی و کنترلی، انتصاب رؤسای امنیتی پُرِیبط به دانش و دانشگاه، قدرت گیری بیش از پیش نیروهای حراست و مداخله های بی سابقه این نهاد در امورات دانشجویی مخصوصاً دختران دانشجو، بخشی از پروژه سرکوب است. سیاستی که نه تنها بازدارنده نیست؛ بلکه خشم مردم را در شرایط سخت معیشتی کنونی دوچندان می کند. امسال در حالی به استقبال شانزده آذر می رویم که علی رغم ادامه سرکوب و تلاش برای ایجاد جو خفقان با احضار، بازداشت و صدور احکام سنگین در مورد فعالین، مقاومت و مبارزه دانشجویان همپای سایر نیروهای اجتماعی معترض به شرایط موجود به ویژه کارگران، معلمان، بازنشستگان، بی وقفه ادامه دارد. در شرایط و فضای کنونی جامعه ایران، دانشجویان تأثیرگذاری خود را با گرزدن مطالباتشان به زندگی اجتماعی و خواست عمومی مردم به پیش می برند."

علاوه بر تشکلهای دانشجویی و نهادهای مردمی پیامهایی نیز از درون زندان داده شد. از جمله از رضا شهبانی از فعالین کارگری در زندان اوین پیام داد. همچنین چهرههایی چون اسماعیل بخشی از فعالین شناخته شده کارگری نیشکر هفت تپه به مناسبت شانزده آذر روز دانشجو پیام دادند و بالاخره اینکه در تجمعی به مناسبت شانزده آذر از سوی دانشجویان شعار داده شد: "دانشجوی زندانی/ فقر، فساد، گرانی!". این شعار پیوند عمیق اعتراضات دانشجویان با کارگران که شعار اتحاد اتحاد علیه فقر و فساد را سر می دهند و شعار فقر، فساد، گرانی، میریم تا سرنگونی که شعار مهمی از انقلاب زن زندگی آزادی بود را به نمایش می گذارد.

به این ترتیب ۱۶ آذر امسال با بیانیه های پرشور بخش های مختلف دانشجویان و کارگران و بازنشستگان، صدای انقلاب زن زندگی آزادی را بازتاب داد و به روزی در ادامه این انقلاب تبدیل گردید. ۱۶ آذر چه در دیکتاتوری آریامهری و چه در حکومت اسلامی یک روز شاخص در مبارزه علیه دیکتاتوری است و صدای دانشجویان مبارز تا سرنگونی کامل حکومت اسلامی و دستیابی به جامعه ای آزاد که هیچ دانشجو و انسان

پیوند ۱۶ آذر امسال با  
انقلاب زن زندگی آزادی  
از صفحه نخست



تا الان موفق نبوده، در ادامه هم موفق نخواهد بود و ما دانشجویان آن را در هم خواهیم کوبید، ما دانشجویان در کنار دانش آموزان، زنان و جوانان و همراه با خانواده های دادخواه و زندانیان سیاسی و در کنار کارگران و معلمان و بازنشستگان، با تکیه به پیروزی هایی که برابر دیکتاتورها و زورگویان به دست آورده ایم، انقلاب «زن زندگی آزادی» را تا پیروزی کامل به پیش خواهیم برد". به این مناسبت رنگین کمانی ها نیز بیانیه دادند و نوشتند: "همصدا و همگام با دانشجویان و جنبش دانشجویی، مطالبات و صدای انقلاب زن زندگی آزادی را پیگیری خواهیم کرد و نشان می دهیم که این تازه آغاز راه است و جامعه و جنبش های مبارزاتی تا رسیدن به تمامی خواسته های خود لحظه ای از پای نخواهند نشست."

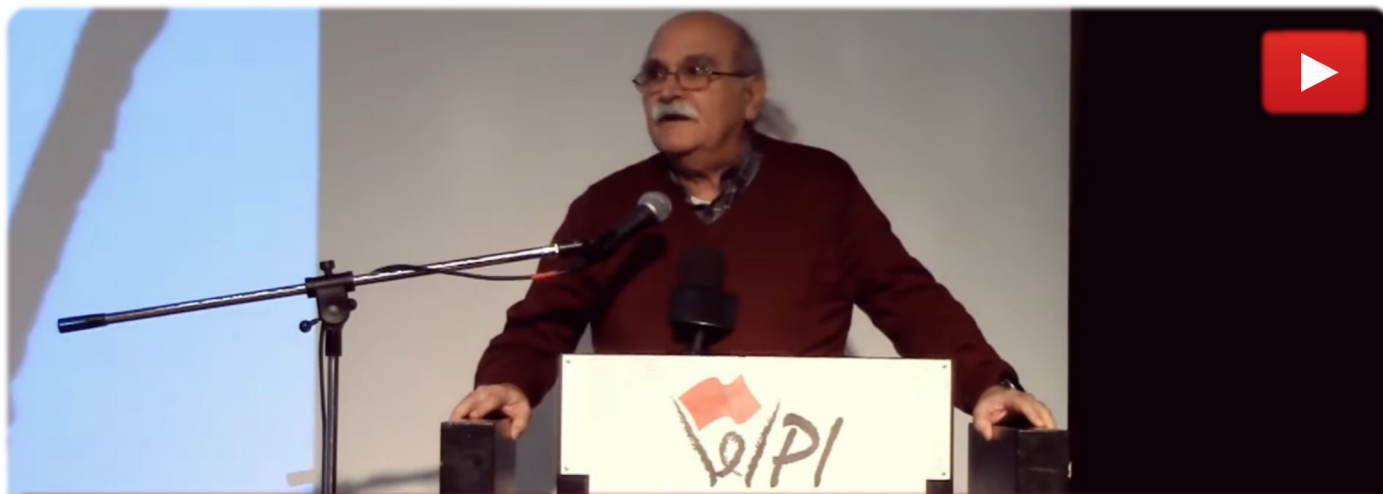
دانشجویان تعلیقی نیز به مناسبت شانزده آذر بر اعتصاب سراسری دانشگاه های کشور در برابر سرکوبگری های حکومت تأکید کردند و بر خواست های فوری دانشجویان تأکید کردند. خواست های اعلام شده آنها از جمله عبارت اند از: حق تحصیل در دانشگاه، حق تشکیل اجتماعات، حق آزادی اندیشه و بیان، حق انتقاد و مطالبه گیری، حق برخورداری از خوابگاه، حق حفظ حریم خصوصی.

به مناسبت این روز همچنین دانشجویان دانشگاه های تهران، شهید بهشتی (ملی)، علامه طباطبائی، فردوسی مشهد، اصفهان و یزد بیانیه ای مشترک انتشار دادند و ضمن اشاره به سرکوبگری های حکومت بر تداوم اعتراضات خود تأکید کردند. در بخشی از این بیانیه آمده است: "جنبش دانشجویی بیدار است. امروز به احترام تاریخ و وظیفه انسانی خود همان طور که پیش تر فریاد زده ایم، ما دانشجویان آتش روشنی بخش راه فرادایم و خار چشم استبداد باقی خواهیم ماند."

همچنین جمعی از دانشجویان دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران به مناسبت روز دانشجو به یاد دانشجویان دریند و اخراجی و تعلیقی پیامی دادند. در بخشی از پیام این دانشجویان آمده است: "ما دانشجویان دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران بر همه آن کسانی که فریاد دادخواهی می زنند و در مقابل بی حرمتی هایی که به مقام دانشجو وارد شده ایستادگی می کنند درود می فرستیم و از آنها می آموزیم. باشد که سال های آینده در ایرانی بهتر و آزاد، این روز را در کنار هم جشن بگیریم و به شجاعت امروزمان افتخار کنیم. ما تا آن روز برای رسیدن به هدفمان متوقف نخواهیم شد و دست از مبارزه نخواهیم کشید. زنده باد مبارزه زنان، دانشجویان، کارگران، معلمان و تمام گروه های ستم دیده که برای آزادی، مرزهای تعیین شده را به بازی و سخره گرفته اند و از میان سنگلاخ ها، مقاومت و آزادی را زیست می کنند. چرا که تنها چیزی که از خود آزادی زیباتر است، ایستادن برای آن است. به امید روزی که دانشگاه و دانشجو آزاد باشند."

بیانیه های دیگر به مناسبت روز دانشجو از سوی شورای بازنشستگان ایران و کانون صنفی معلمان ایران (تهران) داده شد. کانون صنفی معلمان اعلام همبستگی با جنبش دانشجویی، ۱۶ آذرماه را به همه دانشجویان و دانشگاهیان تبریک گفت. همچنین تعدادی از اعضا و دوستان کانون صنفی معلمان با حضور بر سر مزار سه دانشجویی که در ۱۶ آذر ۱۳۳۲





## حزب در آئینه انقلاب زن زندگی آزادی

متن سخنرانی حمید تقوایی در مراسم سی و دومین سالگرد حزب، گوتبرگ سوئد

۱۱ آذر ۱۴۰۲، ۲ دسامبر ۲۰۲۳

جهانی - آفریده‌اند. فرهنگی که تضمین می‌کند پیشروی و مبارزه بی‌وقفه برای رهایی جامعه را؛ به همه مردم ایران که عزم جزم کرده‌اند تا تیشه به ریشه این حکومت بزنند. به همه این عزیزان درود می‌فرستم و برایشان آرزوی پیشروی و پیروزی و موفقیت دارم.

بحث این است که انقلابی که شروع شده، انقلاب زن زندگی آزادی با خودش یک ارزش‌ها، اهداف، و فرهنگ و هنر انقلابی را به جلو رانده و در سطح دنیا مطرح کرده که در تاریخ بی‌نظیر است. این انقلابی است - همانطور که شعار اصلی‌اش اعلام می‌کند - برای "زن زندگی آزادی". هر یک از این کلمات اشاره دارد به نبردها و به مبارزاتی که در طی این ۴ دهه، در طی ۵۰ ساله اخیر در جامعه ادامه داشته است و بالاخره امروز نقطه اوجش انقلاب زن زندگی آزادی است. فشرده و عصاره آن مبارزات در این سه کلمه زن زندگی آزادی خودش را خلاصه می‌کند. این شعار جهانی می‌شود و توجه دنیا را به خودش جلب می‌کند به خاطر اینکه به ارزش‌های جهان‌شمول انسانی اشاره دارد. من می‌توانم بگویم این اولین انقلابی است در تاریخ ایران، و به جرئت می‌توانم بگویم که در تاریخ جهانی که مستقیماً می‌رود به سراغ رهایی انسان از هر قید و بندی، از هر تبعیضی، از هر خرافه مذهبی و غیرمذهبی، از هر مقدساتی غیر از انسان و انسانیت. نداشتیم این را. در ایران در انقلاب مشروطه بحث بر سر قانون اساسی و پارلمان و رهایی از آن جامعه عقب‌مانده فئودالی قرون وسطایی به قرن بیستم و عصر جدید بود. بسیار مترقی و پیشرو بود؛ ولی در واقع دموکراسی پارلمانی می‌خواست، آزادی می‌خواست، عدالت می‌خواست، قوانین قضایی مدرن می‌خواست، قوانین اجتماعی مدرن برگرفته از غرب می‌خواست. انقلابی بود که به پیروزی نرسید و در نیمه‌راه متوقف شد؛ ولی سر این نوع خواست‌ها بود.

در دهه ۳۰ شمسی. در ایران مبارزاتی شکل گرفت علیه قدرت استعماری که چنگ انداخته بود بر صنعت نفت و بر کل منابع ثروت ایران. جامعه می‌خواست از شر این سلطه رها بشود، می‌خواست صنعت نفت را ملی کند با ملی کردن صنعت نفت به نوعی رهایی جامعه و پیشروی را در نظر داشت.

انقلاب ۵۷ علیه سلطنت بود و برای رسیدن به یک جامعه آزاد و برابر. تا حد

اجازه بدهید من هم به سهم خودم به همه شما خوشامد بگویم. خیلی خوشحالم که امشب در جمع شما هستم و امیدوارم بتوانیم دیالوگ خوبی باهم داشته باشیم؛ چون بعد از سخنرانی پرسش و پاسخ خواهیم داشت. در حال خیلی خوشحالم که اینجا هستم و امیدوارم گفتگوی خوبی داشته باشیم.

این گردهمایی است به مناسبت سی و دومین سالگرد تشکیل حزب کمونیست کارگری. ولی نمی‌شود حزب را جدا از تحولات و جدا از انقلابی که امروز در جریان است بررسی کرد. به همین خاطر هم عنوان این سخنرانی حزب کمونیست کارگری و انقلاب زن زندگی آزادی است. من امیدوارم بتوانم اینجا حزب را در آئینه انقلاب به شما نشان بدهم.

قبل از هر چیز لازم است یاد بکنیم از همه عزیزانی که در این انقلاب، در این یک سال و خرده‌ای اخیر، جان خودشان را از دست دادند. از مهسا و مهساها، ساریناها، نیکها، خدانورها، کیانها، و صدها نفر دیگری که به خاک و خون کشیده شدند در راه آزادی و رهایی و یاد بکنیم از همه قربانیان این چهل و خرده‌ای ساله که به پا خاستند و به خاک افتادند، اعدام شدند، در دهه ۶۰، در انقلاب ۹۸، در آبان ۹۸، در ۹۶ و در تمام دوره‌ای که این حکومت جهنمی سر کار بوده است به آن تن ندادند، در برابرش ایستادند و مبارزه کردند. یاد همه این عزیزان همیشه با ماست. ما نه می‌بخشیم و نه فراموش می‌کنیم.

همین‌طور لازم است درود بفرستم به همه کوشندگان و دست‌اندرکاران این انقلاب عظیم که بی‌وقفه به خیابان‌ها آمدند، سینه سپر کردند، مبارزه کردند و هنوز هم مشغول سازماندهی و پیشبرد این انقلاب باشکوه هستند. به همه دانشجویان و دانش‌آموزان، به همه جوانان، به همه دادخواهان و جنبش دادخواهی، به همه زنان که یک جنبش عظیم بی‌حجابی را دارند به پیش می‌برند، جنبشی که تیشه می‌زند به ریشه این حکومت جانان؛ به کارگرانی که الان با شوراهای اعتراضی‌شان در بخش‌های مختلف صنعت نفت اعتراضات گسترده‌ای را شروع کرده‌اند و ادامه می‌دهند، به معلمان و بازنشستگان که پرچم معیشت و منزلت را برای کل جامعه برافراشته‌اند، به همه هنرمندان، سینماگران، نویسندگان، ترانه‌سرایان و خوانندگانی که یک فرهنگ اعتراضی بی‌نظیری را - نه فقط در تاریخ انقلاب ایران بلکه در تاریخ

تصویری که قبلاً جهان از ایران داشت یک "کشور اسلامی" بود، مدافع تروریست‌ها، جامعه‌ای که خودش حجاب را انتخاب کرده، اسلام و حجاب فرهنگ خودشان است و غیره. در همین جوامع غربی داشتیم حتی زنان فمینیستی که حجاب را سمبل فرهنگ ایرانی می‌دانستند و وقتی می‌خواستند از زنان ایران دفاع کنند حجاب بر سر می‌کردند. من به یاد دارم در مونترال کانادا در روزی که روز جهانی حجاب اعلام کرده بودند فمینیست‌ها حجاب سرشان می‌کردند. کسانی که در بقیه روزها بی‌حجاب بودند حجاب سرشان می‌کردند به علامت دفاع از فرهنگ اسلامی با تز "دیالوگ تمدن‌ها" و حجاب سمبلی شده بود برای اینکه حتی نیروهای لیبرال، نیروهای مثلاً چپ، بخشی از فمینیست‌های جهان به این ترتیب همبستگی خودشان را با زنان ایران اعلام کنند.

انقلاب زن زندگی آزادی تمام این تصویر را واژگون کرد و حجاب برداشتن و موها را چیچی کردن در پارلمان‌ها، در میان شخصیت‌ها، چهره‌ها، هنرپیشه‌ها، نویسندگان، رواج پیدا کرد. با برداشتن حجاب و با چیچی کردن مو اعلام کردند که از انقلاب زن زندگی آزادی دفاع می‌کنند و حجاب مطرود شد و تبدیل شد به یک امر منفی، به آن چیزی که واقعاً هست، به قید و بندی بر دست‌وپای زنان در تمام کشورها. در دبیرستان‌ها، در مدارس که فرزندان مهاجرین فراری از کشورهای اسلام زده حضور داشتند، برایشان نمازخانه درست کرده بودند، با حجاب سر کلاس‌ها حاضر می‌شدند و در غذاخوری‌های مدارس حرام و حلال کرده بودند و غیره. همه اینها به هم ریخت و حجاب مطرود شد. حجاب به‌عنوان پرچم اسلام سیاسی شناخته شد و مطرود شد. معلوم شد نه تنها این حکومت، آن‌طور که می‌گفتند، حکومت مردم ایران نیست (می‌گفتند جامعه ایران اسلامی است و سزوار همین حکومت است). بلکه جامعه ایران ۱۸۰ درجه در مقابل جمهوری اسلامی است. ضد مذهبی‌ترین، آنتی‌فمینیستی‌ترین، سکولارترین، مدرن‌ترین و مترقی‌ترین جامعه، جامعه ایران است. توده مردم ایران مترقی‌ترین موقعیت و آرمان‌ها را دارند و این را جهان دید و کلاه از سر برداشت به احترام زنان ایران و مردم ایران. انقلاب ایران اولین انقلاب زنانه تاریخ نام گرفت.

این انقلاب به‌عنوان یک پارادایم سیاسی به‌عنوان فضای سیاسی، به‌عنوان یک گفتمان جهانی زنده است و جمهوری اسلامی را در ضعیف‌ترین موقعیت خودش قرار داده. آنچه سیاست‌های امروز جمهوری اسلامی را تعیین می‌کند نه یک سال گذشته، بلکه آینده‌ای است که می‌داند مرگش بزودی فرامی‌رسد. آینده‌ای است که می‌داند انقلاب برایش تدارک دیده. هراس از آینده است که موضع‌گیری‌های امروز جمهوری اسلامی را توضیح می‌دهد. اینها خودشان بهتر از ما می‌دانند که آفتاب لب بام‌اند که باید بروند که جامعه عزم جزم کرده این نظام را در هم بکوبد. این را می‌دانند. دیربازود جامعه منفجر خواهد شد. دوباره منفجر خواهد شد و این قابل کنترل نیست. این را اینها می‌دانند. انقلاب برمی‌گردد، به خیابان برمی‌گردد با این فرهنگ غنی‌ای که ساخته - بخشی. از این سرودها را امروز اینجا شنیدیم و خواندیم - با چهره‌هایی که جایزه صلح جهانی گرفتند، جایزه حقوق بشر گرفتند، و با رژیم رسوایی که از بعضی. از قانون‌ها و نهادهای بین‌المللی اخراج شده. جمهوری اسلامی به‌عنوان جنایت‌کارترین رژیم شناخته شده و به طور عملی حتی دولت‌هایی که همیشه از جمهوری اسلامی دفاع می‌کردند و هنوز می‌خواهند روابط دیپلماتیکی با او داشته باشد اینجا و آنجا علیه‌اش می‌ایستند. وقتی آرمی‌تاها کشته می‌شوند، وقتی فاجعه‌ای اتفاق می‌افتد اینها دوباره صدای اعتراضشان بلند می‌شود. حتی دولت آمریکا و دولت‌هایی که مناسبات حسنه‌ای با جمهوری اسلامی دارند در برابرش می‌ایستند.

## حزب در آئینه انقلاب زن زندگی آزادی

از صفحه ۳

زیادی مشابهت داشت با انقلاب امروز ولی انقلاب امروز فقط علیه جمهوری اسلامی نیست. فقط علیه مذهب نیست. چهل سال است مذهب زندگی آدم‌ها را در هم خرد کرده، له کرده، درهم فشرده و به همین خاطر یک خصیصه مهم انقلاب ضد مذهبی بودن است. ولی درست همان‌طور که وقتی فتری را زیاد فشار دهید برمی‌گردد و از آن موقعیت قبلی خودش مسافت زیادی به جلو می‌پرد و پرواز می‌کند، جامعه ایران را هم جمهوری اسلامی چنان درهم فشرده و به قعر جهنم برده که وقتی بلند می‌شود و این بندها را پاره می‌کند و بی‌می‌خیزد صدها قدم از پیشرفته‌ترین جوامع متمدن دنیا جلوتر خواهد رفت.

شعار زن زندگی آزادی جاذبه جهانی دارد؛ چون شعاری نیست فقط علیه یک دیکتاتوری جهان‌سومی، یک دیکتاتوری مذهبی، یک دیکتاتوری جوامع عقب‌مانده غیرصنعتی. بلکه شعاری است که در دل همین غرب به اصطلاح پیشرفته، در دل اروپا و آمریکای شمالی قلب‌ها را به تپش واداشته است و انظار را متوجه خودش کرده است. این انقلاب است که نه فقط می‌خواهد جمهوری اسلامی را جارو کند، بلکه می‌خواهد اعدام را بر بیندازد. نه تنها می‌خواهد زن در بند قوانین مذهبی نباشد، بلکه می‌خواهد زن در رأس جامعه باشد، برابر با مرد و با تمام حیثیت و کرامت انسانی‌اش در جامعه به رسمیت شناخته بشود. در قوانین نمایندگی شود و زندگی انسانی داشته باشد. رهایی زن نه فقط از قید اسلام، بلکه رهایی زن از قید هر نوع مردسالاری، هر نوع تفکر مقیدکننده زن که در همه دنیا نمونه‌اش را می‌بینید. همچنان که جنبش "می‌تو" را در غرب داشتیم و جنبش‌های زیادی که مدت‌ها امرشان رهایی زن در سراسر دنیا بود. به همین دلیل است که شعار زن زندگی آزادی این چنین توجه همه را جلب می‌کند. آزادی زن را مستقیماً پیوند می‌زند به آزادی کل جامعه، به رهایی کل جامعه، و به زندگی.

این شعاری است برای زندگی، نه فقط علیه جهنم فقر و فلاکتی که جمهوری اسلامی در ایران برپا کرده، بلکه علیه ریاضت‌کشی. اقتصادی که همه دنیا را گرفته. برای دفاع از معیشت و منزلت همه انسان‌هایی که تحت سلطه ریاضت‌کشی اقتصادی و نسخه بانک جهانی و "کارکن و زحمت بکش و صدایت در نیاید" قرار دارند. زندگی یعنی رهایی از جبر اقتصادی، رهایی از بردگی مزدی، رهایی از گروگرفتن زندگی و نان و معیشت برای کار کشیدن. زندگی به معنای رهایی از این‌ها. زندگی به آن معنایی که فقط می‌تواند در یک جامعه بری از تبعیض، نه فقط تبعیضات قانونی و حقوقی و مدنی، بلکه بری از تبعیضات اجتماعی و اقتصادی و طبقاتی، به دست بیاید. "زن زندگی آزادی" یک شعار است؛ ولی برای هر یک از این‌ها بیش از ۴ دهه است که جامعه دارد مبارزه می‌کند.

ممکن است بگویند خب این انقلاب که به این عظمت و با این ابهت شروع شد الان فروکش کرده. الان دیگر از تظاهرات و راهپیمایی‌های باشکوه خیابانی خبری نیست. به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی دارد کنترل می‌کند. ولی انقلاب فقط در تظاهرات و فقط در راهپیمایی خلاصه نمی‌شود. آنچه مهم است این است که تا همین‌جا، جو سیاسی، شرایط سیاسی و اجتماعی در جامعه چنان زیورور شده که جمهوری اسلامی را به ضعیف‌ترین موقعیت خودش رانده است و جامعه را به راسخ‌ترین و تعرضی‌ترین موقعیت در مبارزه علیه جمهوری اسلامی و علیه تمام تبعیضاتی که جمهوری اسلامی پاسدار آنها است.

## حزب در آئینه انقلاب زن زندگی آزادی

از صفحه ۴

اینها دستاوردهای یک انقلاب عظیم است که تبدیل می‌شود به پایه‌ها و ستون‌هایی برای ادامه انقلاب، و برای پیشروی‌های بیشتر.

خواهید پرسید خب در این میان نقش احزاب چیست؟ خواهید گفت "شما دارید این حرف‌ها را در مراسم سالگرد حزب می‌زنید و نه در مراسم سالگرد انقلاب". احزاب کجای این تصویر قرار می‌گیرند؟ نه فقط حزب ما بلکه کلاً حزب و حزیت.

نکته اولی که در این رابطه باید بگویم این است که انقلاب را احزاب نمی‌سازند. من همیشه گفته‌ام انقلاب یک پدیده عینی است، ابرکتیو است، از تناقضات، از تبعیضات، از مسائل واقعی مردم سربلند می‌کند. همه انقلابات این طورند از جمله انقلاب زن زندگی آزادی. ولی این امر به این معنا نیست که مواضع و سیاست‌ها و اهداف احزاب به انقلاب پریط است.

ببینید، هر حزبی همان قدر منتقد وضع موجود است که هدفش ایجاد می‌کند که می‌خواهد به هدف مشخص برسد. عمق نقد هر حزبی به وضع موجود به اندازه ارتفاع خواسته‌هایش است. هر چقدر خواسته‌ها بلندپروازانه‌تر، انسانی‌تر، رهایی‌بخش‌تر باشد، نقد به وضع موجود عمیق‌تر است. پایه‌ای‌تر است. کسی که فقط می‌خواهد تغییرات جزئی در سیستم بدهد، مثلاً جای آخوندهای خوب و بد را عوض کند، یا حداکثر سکولاریسم بیاورد و بقیه سیستم را سر جایش نگه دارد، فقط سرشاخه‌های رژیم را می‌زند و کسی که بخواهد ریشه ظلم و ستم و تبعیض و نابرابری و اختناق را از بین ببرد دست به ریشه می‌برد، و ریشه برای انسان، به قول مارکس، خود انسان است. حزبی حزب این انقلاب است که با این انقلاب به میدان نیامده است؛ بلکه از مدت‌ها پیش با شعارهایش، با خواسته‌هایش، با اهدافش، و مهم‌تر از همه با پراتیک و مبارزات پیگیرش به استقبال انقلاب رفته و زمینه‌اش را فراهم کرده است.

همین امروز این انقلاب علیه حجاب بلند شده و جنبش بی‌حجابی یکی از مهم‌ترین عرصه‌های انقلاب حاضر است و پیروز موفق است. به گفته خود حکومتی‌ها بیش از ۷۰ درصد زنان الان بی‌حجاب‌اند، حجاب را کنار گذاشته‌اند. حتی زنان مذهبی، زنانی که هنوز خودشان را مسلمان می‌دانند و حتی به اختیار خودشان حجاب داشتند، الان در همبستگی با جنبش بی‌حجابی حجاب‌ها را کنار گذاشته‌اند. بیش از ۷۰ درصد زنان! چه کسی تصور می‌کرد که جمهوری اسلامی سرکار است و زنان این بلا را به سرش می‌آورند؟

حجاب فقط پوشش نیست. مبارزه علیه حجاب فقط مبارزه برای آزادی پوشش نیست. حجاب پرچم یک حکومت اسلامی عقب‌مانده قرون وسطایی است که کل جامعه را به بند کشیده. با به بند کشیدن زنان آزادی را به بند کشیده، زندگی را به بند کشیده و "زن زندگی آزادی" حلقه ارتباطش اینجاست. به هم پیوستگی‌اش اینجاست. جامعه می‌گوید "زن زندگی آزادی" چون جمهوری اسلامی بی‌حقوقی زن را تبدیل کرده به بندهایی بردست‌وپای کل جامعه و کل مردم در زندگی اقتصادی‌شان، در زندگی مدنی‌شان، در زندگی اجتماعی‌شان. مبارزه علیه حجاب یعنی مبارزه برای گسستن همه بندها.

حزبی که مدت‌ها قبل از این انقلاب، علیه حجاب بلند شد، حجاب را قفس متحرک زنان نامید، حجاب را دیوار آپارتاید جنسی نامید و مبارزه

نه‌تنها برای آزادی زن، بلکه مبارزه برای رهایی جامعه را از مبارزه علیه حجاب تفکیک‌ناپذیر اعلام کرد، حزب ما بود. ما در تاریخمان مبارزه علیه حجاب برجسته است، آتش‌زدن حجاب‌ها در همین کشور سوئد جزئی از کارنامه ما است، و مبارزه علیه حجاب نه فقط در ۸ مارس‌ها بلکه تمام روزهای سال امر همیشگی ما بوده است. ما حزبی هستیم که روز جهانی مبارزه علیه حجاب را اعلام کردیم. فریده آرمان، یادش به خیر، در همین سوئد روز جهانی علیه حجاب را اعلام کرد. ما حزبی هستیم که با تمام توان از دختران خیابان انقلاب حمایت کردیم و مبارزه آنها را مبارزه‌ای دانستیم برای آزادی جامعه و امروز همه جامعه دارد همین را فریاد می‌زند. من ادعا نمی‌کنم ما جنبش بی‌حجابی را ساختیم؛ ولی می‌گویم ما چنان دینامیسم انقلاب در جامعه ایران و مسائل مهم مردم و جنبش‌های بالقوه‌ای که می‌توانند بالفعل شوند را می‌شناختیم که به استقبال این شرایط رفتیم.

نکته دیگر زنانه بودن انقلاب است. امروز همه دنیا می‌گوید این انقلاب زنانه است. این منصور حکمت بود - اینجا لازم است یادش را یکبار دیگر گرمی بداریم - که ۲۲ سال قبل اعلام کرد انقلاب آتی ایران زنانه خواهد بود و بعد از آن ما نهاد و ارگان "انقلاب زنانه" را سازمان دادیم و این پرچم را برافراشته نگه داشتیم. الان همه دنیا می‌گوید این انقلاب زنانه است، اولین انقلاب زنانه تاریخ!

این انقلاب علیه اعدام بلند شد. گفتمان و ترند همه با هم هستیم علیه اعدام همه جامعه را فراگرفت. همین چند ماه قبل. جامعه اعلام کرد که اعدام برای هر جرمی، و نه فقط پرونده‌های اعدام و احکام اعدام، باید لغو شود. نفس مجازات اعدام برای هر جرمی باید لغو شود، ممنوع بشود. این را جامعه در دل انقلاب زن زندگی آزادی اعلام کرد و این حزب ما بود که سال‌ها قبل اعلام کرد "اعدام قتل عمد دولتی" است، حزب ما بود که پیام آخرین کنگره‌اش به مردم این بود که "همه با هم هستیم". جامعه الان می‌گوید همه با هم هستیم علیه اعدام! و به این شکل دو خواست مهم و دو پرچم مهمی که حزب ما برافراشته بود به هم متصل می‌شود.

امروز "منزلت معیشت" پرچم. بازنشستگان، معلمان، و کارگران معترض است. شوراهای اعتراضی در بخش‌های مختلف نفت، کارگران پیمانی و غیر پیمانی، شوراهای اعتراضی تشکیل دادند و اعتراضات وسیعی را در شنبه‌های اعتراضی، یک‌شنبه‌های اعتراضی به پیش می‌برند. روزهای هفته را تقسیم کرده‌اند و هر روز به خیابان می‌آیند با پرچم معیشت و منزلت. "معیشت منزلت حق مسلم ماست" شعار همه‌گیر این انقلاب و یک شعار پایه‌ای حزب ما است.

در این انقلاب ما بودیم که علیه تبعیض ملی ایستادیم و گفتیم همه مردم مستقل از قومیت و ملیت و زبان با هم برابرند، حقوق برابر دارند، باید متحدانه کنار هم بایستیم برای برابری حقوق همه شهروندان ایران مستقل از نسبت‌های کرد، آذری، غیبه و غیبه و امروز جامعه دارد شعار می‌دهد "کرد بلوچ آذری آزادی و برابری"، دارد شعار می‌دهد "یاشاسین کردستان، بزی آذربایجان". مردم ایران دارند می‌گویند کرد و عرب و آذری و فارس و غیبه نداریم، همه آدم هستیم آزادی می‌خواهیم، برابری می‌خواهیم.

این حزبی است که پرچم شوراها را بلند کرده و ما شوراها را داشتیم در تجربه و روندی که به این انقلاب منجر شده، از جمله در مبارزه کارگران هفت‌تپه وقتی اداره شورایی را مطرح کردند و امروز شوراها به صورت ارگان‌های مبارزه، شورای فرهنگیان، شورای پرستاران، شورای کارگران پیمانی نفت، شورای کارگران ارکان ثالث، تشکیل شده و همه‌جا فعال است.

## حزب در آئینه انقلاب زن زندگی آزادی

از صفحه ۵

جامعه‌ای که در خاطره نه‌چندان دورش شوراهای به‌عنوان نماد و سمبل آزادی و دموکراسی و برابری زنده است، امروز دوباره به‌عنوان ارگان‌ها اعتراضی دارد به شوراهای روی می‌آورد.

و بالاخره ما حزبی هستیم که همیشه انقلاب را تنها راه رهایی جامعه اعلام کرده‌ایم. برخلاف خیلی از نیروهای اپوزیسیون که فکر می‌کردند باید استعاله کرد، باید گام به گام پیشرفت، باید به کشورهای غربی متکی شد، باید سناریوهای رژیم‌چنجی مختلفی چید. انقلاب را خیلی‌ها هرچومرج می‌دانستند. انقلاب را خشونت می‌دانستند. می‌گفتند باید از آن احتراز شود. حتی اسم سرنگونی را نمی‌بردند. از تغییر گام به گام حکومت یا حداقل براندازی و غیره صحبت می‌کردند. اما امروز می‌بینید که انقلاب ارجوقرب خودش را پیدا کرده است. حتی در میان کسانی که تا دیروز آن را خشونت می‌دانستند. ناگزیرند!

انقلاب زن زندگی آزادی با نفس وجود خودش، رخدادن خودش، نشان داد که این حزب بر حق است، حزبی است که راه واقعی را نشان می‌داده است، حزبی است که خیالات نمی‌یافته وقتی گفته انقلابی در راه است. توهم نداشته وقتی می‌گفته انقلاب آینده زانه خواهد بود. وقتی می‌گفته اعدام، نه تنها احکام اعدام بلکه نفس مجازات اعدام، باید متوقف بشود. جامعه امروز همین‌ها را می‌خواهد.

و این حزبی است که امروز با تلویزیون کانال جدید، با تریبون و صدای انقلاب، پرچم این سیاست‌ها را در چند ده سال اخیر و امروز در دل این انقلاب برافراشته و به صدای مردم تبدیل شده. دیالوگ متقابلی بین کانال جدید و مردم انقلابی و مبارز در جریان است. کانال جدید در واقع سنگری است، پایگاه محکم و استواری است که می‌تواند انقلاب. در آن چهره خودش را ببیند، سیاست‌ها و اهداف و راه و روش خودش را ببیند. با آن دیالوگ کند، گزارش بدهد، رهنمودها را بشنود. این نقشی است که الان

تلویزیون کانال جدید، تلویزیون حزب ما، دارد ایفا می‌کند.

می‌دانم وقت کم است و شاید وقت من تمام شده. نکات خیلی بیشتری هست که می‌توان به آن اشاره کرد؛ ولی همین‌جا صحبت‌م را خلاصه می‌کنم در اینکه شما حزب ما را می‌توانید در آئینه انقلاب زن زندگی آزادی مشاهده کنید و ببینید این حزب چه گفته و چه کرده و الان جامعه چه می‌گوید و چه می‌کند. این ارتباط پیوند عمیقی را نشان می‌دهد بین یک حزب انقلابی و جامعه‌ای که تشخیص داده انقلاب تنها راه است.

ببینید این اولین تحولی در ایران است که مردم اعلام می‌کنند اسمش انقلاب است. "بهبش نگید اعتراض، بهبش بگید انقلاب". موقعی که ما این حرف را می‌زدیم خیلی‌ها ما را به‌عنوان انقلاب سوار مسخره می‌کردند، اعلام کرده بودند در دنیا دوره انقلابات گذشته است! انقلابی در کار نخواهد بود. امروز جامعه بلند شده و می‌گوید بهبش بگید انقلاب، این انقلاب است! می‌گوید تحولات تدریجی نمی‌خواهیم، قدم به قدم نمی‌خواهیم، اصلاح‌طلبی و غیره را نمی‌خواهیم. جامعه از اینها عبور کرده. به همین خاطر گفتم نفس این انقلاب نشان می‌دهد که آن حزبی که همیشه پرچم انقلاب را بلند کرده دست گذاشته بوده است بر ضرورت زمان. بر چیزی که باید اتفاق می‌افتاد و الان اتفاق افتاده.

ما به سهم خودمان، با همه قدرت و توانمان، برای با پیروز رساندن انقلاب تلاش می‌کنیم و به همه مردمی که این برنامه را می‌بینند تعهد می‌سپاریم که برای تقویت هر چه بیشتر انقلاب و گسترش آن و سر بلند کردن هر چه بیشتر جامعه علیه این دژخیمان حاکم از هیچ تلاشی فروگذار نکنیم. ما حزب انقلاب هستیم و تعهد می‌کنیم که در کنار مردم، در کنار کارگران، دانشجویان، زنان، دادخواهان، بازنشستگان، معلمان، و همه بخش‌های معترض جامعه ایستاده‌ایم. ایستاده‌ایم تا پایان! مبارزه می‌کنیم تا جمهوری اسلامی را به زیر بکشیم و یک‌دنیای آزاد، برابر، انسانی، مرفه را پایه‌گذاری کنیم.

متشکرم.

۱۵ آذر ۱۴۰۲، ۶ دسامبر ۲۰۲۳



## جنگ غزه و سقوط ارزش‌های انسانی



میلاد رابعی

این روزها در تمام رسانه‌ها و خبرگزاری‌ها صحبت از جنگ اسرائیل و حماس است. تمام جهان متوجه این جنگ است و هر شخص و هر نیرویی تحلیل خود را از آن دارد. مسئله فلسطین به درستی به زخمی که هزارگانه‌ی سر بازمی‌کند و هر بار خون بیشتری به چهره جهان می‌پاشد. تردیدی نیست که نیروهای استخوان لای این زخم که می‌گذارند تا هرگز روی بهبود نیبند.

این نزاع تاریخی را از هر زاویه و به هر شکلی که توضیح بدهیم این واقعیت را نمی‌توان نادیده گرفت که همه این مشکلات و خونریزی‌ها و کشمکش‌ها بر بستر یک موضوع و مشکل واقعی اتفاق می‌افتد و آن آواره کردن مردمی از سرزمینشان است. سایر منافع ریزودرشت دار و دسته‌های جنگ طلب از هر دو سو بر روی پایه‌های این واقعیت عینی سوار است. این معضل و ظلم تاریخی به دستاویزی برای پیشبرد مقاصد جریان‌ات تروریست هر دو طرف تبدیل شده است و در این میان اصل مشکل و حل آن به موضوعی حاشیه‌ای تبدیل شده است.

منظور از نوشته حاضر اما نه پرداختن به ریشه‌های این جنگ است و نه ارائه آخرین اخبار و تحولات در غزه. بحث ما بر سر چیزی است که دل هر انسان شرافتمندی را در هر گوشه از جهان به درد می‌آورد. همان احساس مشترکی که انسان‌ها را از استرالیا تا آمریکا به خیابان‌ها می‌آورد تا خواست پایان دادن فوری به این نسل‌کشی را فریاد بزنند.

امروز دیگر بر هیچ‌کس پوشیده نیست که آن چه هر ساعت و هر دقیقه در غزه رخ می‌دهد یک تراژدی تمام‌عیار انسانی است. هدف اصلی حملات اسرائیل نه مراکز نظامی و اماکن استراتژیک بلکه مستقیماً خود مردم هستند. به همین دلیل از آن به عنوان نسل‌کشی یاد می‌شود. با آمار بالای کودکان کشته شده به سادگی می‌توان صورت کودکانی را مجسم کرد که ۲۴ ساعت قبل زنده بودند و اکنون مرده‌اند و یا هم اینک زنده هستند و نفس می‌کشند و فردا همین موقع تنها جنازه بی‌جان‌شان برجایمانده است. مرگ و زندگی این کودکان نه برای دولت تروریست اسرائیل و نه برای تروریست‌های حماس کوچک‌ترین اهمیتی ندارد.

مجموع این جنایات وحشیانه زخم عمیقی بر پیکر بشریت متمدن و دستاوردهای انسانی او حفر می‌کنند. ارزش جان انسان را چنان پایین می‌آورد که به نوعی انزجار و دل‌سردی دامن می‌زند. در سال‌های اخیر و در دل نظام‌های سرمایه‌داری که هیچ‌چیز جز سود برایشان اهمیتی ندارد و در این میان ارزش انسان را تا سر حد یک کالا تقلیل داده‌اند، بشریت متمدن با تلاش و مبارزه پیگیر خود توانسته ارزش‌های انسانی را تا حد زیادی حفظ کند و آن را اشاعه دهد. انسان‌های زیادی در سراسر جهان زندگی خود را در راه رسیدن به ارزش‌های والای انسانی و یک فرهنگ شایسته انسان صرف کرده‌اند. از پزشکان بدون مرز که برای درمان به دورافتاده‌ترین و

فقرزده‌ترین نقاط دنیا سفر می‌کنند، فعالین حقوق کودک، فعالین جنبش دفاع از حقوق زنان، مددکاران اجتماعی داوطلب و لیست بلندبالای همه کسانی که برای بهبود زندگی انسان‌ها مبارزه می‌کنند تا کسانی که امرشان دفاع از حقوق حیوانات است، از انسان‌هایی که مخالف کشته شدن حیوانات برای استفاده از گوشت و پوستشان هستند تا مخالفین شکار حیوانات، افرادی که برای جلوگیری از انقراض گونه‌های مختلف جانوری مبارزه می‌کنند، این آدم‌ها همه در دل مناسبات اجتماعی موجود که این مسائل را برای کسب سود بازتولید می‌کند، مبارزه‌ای واحد را پیش می‌برند. مبارزه برای ارتقای فرهنگ انسانی در تقابل با ارزش‌های یک‌درصدی‌های حاکم. قطعاً کمونیست‌ها و آزادی‌خواهانی که برای رهایی همیشگی از چنگال این سیستم ضدبشری مبارزه می‌کنند، پیش‌قروان این کمپ انسانی هستند.

وقتی این تلاش‌های انسانی را در کنار جنایاتی که این روزها در غزه در جریان است قرار می‌دهیم، تضادی عظیم را مشاهده می‌کنیم. در یک سو اردوی انسانیت و آزادی‌خواهی که خواهان رهایی بشریت است و در عین حال برای ایجاد هر تغییر مثبتی در زندگی انسان‌ها تلاش می‌کند و در سوی دیگر نیروهای هار قومی - مذهبی که در هر روز صدها زن و مرد و کودک را به کام مرگ می‌فرستند. در طول تاریخ هرگز میان اردوگاه انسانیت و سوداگران مرگ چنین شکاف عمیق و پارادوکسی وجود نداشته است. این پارادوکس باید به سود یکی از دو طرف حل شود و در حال حاضر تنها همین کمپ انسانیت و بشریت مترقی است که می‌تواند این جنایت را متوقف کند. فشار عظیم انسان‌های صلح طلب بر دولت‌های خود مهم‌ترین عامل برای پایان دادن به این فاجعه انسانی است. ما پیش‌ازین هم شاهد نمونه‌هایی از تظاهرات عظیم ضدجنگ در سراسر جهان بوده‌ایم. در حال حاضر نیز در مخالفت با جنگ در غزه نیروهای زیادی به خیابان‌ها آمده‌اند و خواستار توقف فوری کشتار شده‌اند. در هر کشوری ضمن محکوم کردن هر دو طرف این جنگ، نوک تیز پیکان آزادی‌خواهان باید طرف مورد حمایت دولت خودی را نشانه بگیرد. کشتار در غزه باید متوقف شود و این کار پیش از هر کس دست مردم انسان‌دوست جهان را می‌بوسد.\*



حزب کمونیست کارگری ایران  
Worker-communist Party of Iran

حماس و تانیا هو

به جرم جنایت جنگی

باید محاکمه شوند

اساس سوسیالیسم انسان است

## ثابتی و آخرین میخ بر قابوت سلطنت

### کاظم نیک‌خواه



بعد از آن او پشتکاروی دیگری زد و چپ‌ها و مارکسیست‌ها را با لحن کوچه‌بازاری و نازی مورد حمله قرار داد و نقدهای چپ به دیکتاتوری آریامهری را «وزوز مارکسیست‌ها» خواند. اخیراً هم از زندان و اعدام و شکنجه در زمان پدرش دفاع کرد و گفت زندانیان سیاسی زمان شاه فقط کسانی نظیر خامنه‌ای بوده‌اند که اگر در آمریکا هم بودند به گوانتانامو منتقل می‌شدند و شکنجه می‌شدند! از این نوع افاضات را قبلاً هم در مورد اعدام سیاسیون در زمان شاه به این شکل از خود بروز داد که گفت «بعضی از انقلابیون به من گفتند که ای کاش پدر شما ما را اعدام کرده بود!»

این نوع دفاع از دیکتاتوری آریامهری و رضاشاهی تنها بی‌مایگی و در بهترین حالت باید گفت عدم جدیت سیاسی را نشان می‌دهد و همه اینها نشان می‌دهد که رضا پهلوی در سیاست دچار سرگیجه کامل است. اما نکته اصلی این است که بدانیم که این سرگیجه صرفاً شخصی نیست. این وضعیت ورشکسته و بحرانی و بی‌افقی جنبش سلطنت طلبی است که او را به این وضعیت ناجور کشانده است. افق او همان حکومت خودکامه و سلطنت است که دوره‌اش آشکارا در ایران سال‌هاست که گذشته است و مردم میلیونی با خیز برداشتن برای سرنگونی دیکتاتوری اسلامی می‌خواهند جامعه‌ای انسانی را پایه‌ریزی کنند که حقوقهای نجومی و یکه‌تازی اسلامی‌ها و حکومت موروثی و ولایت‌فقیه و زندان‌های سیاسی و اعدام و زندان در آن مطلقاً جایی ندارد. این جامعه‌ای است که یک‌بار حکومت سلطنتی را واژگون کرده و امروز با انقلاب زن زندگی آزادی می‌خواهد به طور واقعی جامعه‌ای انسانی و آزاد و برابر را پایه‌ریزی کند که در آن از ستم و زندان و اعدام و مفت‌خوران نجومی

خبری نباشد. در این شرایط طرف‌داری از سیستم موروثی و سلطنت بیش از حد نجسب و نامتناسب و خارج از متن است که برای هیچ آدم جلدی در این جامعه ذره‌ای قابل هضم باشد.

در این فضای سیاسی است که ثابتی به‌عنوان سر شکنجه‌گر و فادار شاه در کشاکش درونی سلطنت‌طلبان به جلو رانده

شده است تا از ساواک و سلطنت با قاطعیت دفاع کند. تا شاید به جایی برسند. مأموریت او ماست‌مالی کردن شکست پروژه جرج تاون و منشور مهسا و امثال اینها و جمع‌وجور کردن فاشیست‌های سلطنت‌طلب و امثال یاسمین پهلوی است. ثابتی نماینده طیفی است که با شعار مرگ بر چپ و مجاهد می‌خواهد به خیال خود شمشیر از رو ببندد و رؤیای خفقان آریامهری را احیا کند.

نتیجه اینکه جلو آمدن ثابتی بیانگر این است که در اوج بن‌بست جریان راست سلطنت‌طلب، جناح شکنجه‌گر و ساواکی دست بالا پیدا کرده و رضا پهلوی هم با دفاع اخیرش از زندان و شکنجه و اعدام نشان می‌دهد که به دنبال ثابتی کشانده شده است. این رویداد یک‌بار دیگر نشان می‌دهد که تمام تلاش‌هایی که رضا پهلوی برای نشان دادن چهره‌ای حقوق بشری از خود نشان داده بود پوچ و بی‌پایه است و با هیچ سریشمی نمی‌شود سلطنت را به جامعه امروز ایران و به آزادی و حقوق بشر و انقلاب زن زندگی پیوند زد. امثال ثابتی پرونده جنایی دارند و در دادگاه‌های مردمی باید جوابگو باشند. اینکه سلطنت‌طلبان افسار خود را به شکنجه‌گرانی امثال ثابتی داده‌اند اعترافی به این است که کلاً قافیه را باخته‌اند و جایی در اوضاع سیاسی این کشور ندارند. این قطعاً حرکتی از سر ناامیدی و بی‌آیندگی است و از سوی مردم وسیعاً جواب خود را گرفته است و خواهد گرفت.\*

مستند پنج‌قسمتی پرویز ثابتی در تلویزیون "من و تو" به بحث‌های زیادی دامن زده است. سؤال اصلی که مطرح است و کمتر به آن پرداخته شده این است که چرا امروز ثابتی و کلاً جبهه طرفدار شاه و سلطنت تازه به فکر چنین تلاشی افتاده و چه شرایطی آنها را به این تلاش واداشته است؟ این را سعی می‌کنم اینجا توضیح دهم.

ثابتی چهره اصلی و شناخته شده و منفور ساواک در زمان پهلوی دوم بود و تنها مقامی از ساواک بود که به‌عنوان "مقام امنیتی" بارها در تلویزیون ظاهر شد و علیه جریانات سیاسی اپوزیسیون و انقلابیون لجن‌پراکنی و تبلیغات کرد. بی‌پایه بودن آنچه در این برنامه‌ها توسط ثابتی در رد شکنجه و اختناق و در دفاع از رژیم پهلوی ادعا شد با هزاران فاکت زنده قابل اثبات است و شاهدان عینی و اشخاص زیادی آن را اثبات کرده‌اند.

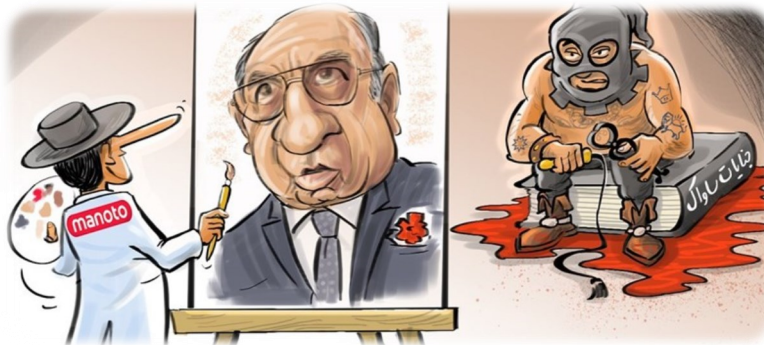
اما نکته اساسی و قابل توجه این است که ببینیم این بار ثابتی برای چه آمده است؟ آیا این یک اتفاق فردی و ابتکار شخصی و منفرد بود که ثابتی سال پیش رونمایی شد و امسال تلویزیون من و تو که آشکارا یک تریبون طرفدار سلطنت است در مستندی پنج‌قسمتی و مفصل از ساواک و حکومت شاه دفاع کرد و در دسر دیگری برای سلطنت‌طلبان ایجاد کرد؟ جواب من منفی است. جلو آمدن ثابتی مطلقاً یک امر اتفاقی و یا شخصی نیست. بلکه

کشاکش‌ها و بن‌بست عمیق درون جنبش راست و سلطنت طلبی است که ثابتی را به جلو رانده است. ثابتی به دنبال رسوایی‌ها و شکست‌های سیاسی بی‌درپی رضا پهلوی که آخرین‌هایش مضحکه «جرج تاون» و «وکالت می‌دهم» و «منشور مهسا» و امثال اینها بود، به صحنه آورده شد.

### رضا پهلوی چهره شاخص

راست است. اما طی سال‌های متمادی نشان داده است که از نظر سیاسی یک چهره ناتوان و الاکنگی تمام‌عیار است. هم خود را ولیعهد می‌داند و به دنبال سلطنت است و هم برای رسیدن به سلطنت به همه سو نوسان می‌کند. او بارها تلاش کرد که رُست رهبر و سازمانده بگیرد و راست را در برابر چپ متحد و متشکل کند. او حتی دست یاری به‌سوی بسیجیان دراز کرد و گویی بسیج یک نیروی بی‌طرف است گفت «انتخاب کنید که طرف مردم می‌ایستد یا با حکومت!» او در جهت به جلو راندن سلطنت تشکل‌های مختلفی را روی کاغذ اعلام کرد. نظیر ققنوس، شورای ملی ایران و امثال اینها که هیچ‌کدام به جایی نرسید و در درون آنها اختلافات اوج گرفت و خود او ناچار شد از آنها کنار بکشد. او از دو سو زیر فشار راست‌ها قرار داشت. جریانات راست مدافع جمهوری به او فشار می‌آوردند که باید دست از سلطنت و حکومت موروثی بشوید و جمهوری را انتخاب کند. سلطنت‌طلبان هم به او هشدار دادند که دست از خیانت و همراهی با تجزیه‌طلبان و جمهوری‌خواهان بردارد و محکم از سلطنت و تمامیت ارضی و حکومت آریامهری دفاع کند.

در وسط این دو جبهه رضا پهلوی نشان داد که یک سلطنت‌طلب نظیر شاه سلطان حسین است که اراده و توان سیاسی ندارد و نوسانات مضحکی از خود نشان داد. یکی دو سال پیش گفت دوره سلطنت گذشته است و خود را طرفدار جمهوری معرفی کرد. قبل از آن زیر فضای رادیکال و کارگری جامعه، حتی خود را طرفدار چپ و سوسیالیسم معرفی کرد و حتی تا آنجا خود را مضحکه کرد که گفت پدرش هم به‌نوعی سوسیالیست بوده است!





## سیاست فاشیستی حکومت در قبال پناهندگان افغانستانی را محکوم کنید!



محمد شکوهی

ویژه‌ای" به اجرا درآمده‌اند". اما این شرایط ویژه‌ای که وزیر کشور حکومت با استناد به آنها روند دستگیری و اخراج افغانستانی‌ها از ایران را سرعت بخشیده است چه هستند؟

شدت گرفتن حملات راسیستی و نژادپرستانه حکومت به افغانستانی‌های مقیم ایران و اخراج هزاران نفره آنها، در این ابعاد جدید است. جدید به این معنا که در بطن یک شرایط سیاسی و زدوبند بین دو رژیم تروریستی صورت می‌گیرد.

یک محور مهم این شرایط سیاسی تلاش دو طرف برای بهبود روابطشان است. روابطی که در طول دو سال گذشته و با بازگشت طالبان به قدرت با افت‌وخیزهایی روبرو بوده و الان هر دو رژیم تصمیم دارند اختلافاتشان را بر سر مسائل مختلف، از جمله مهم‌ترین آنها موضوع میلیون‌ها افغانستانی ساکن ایران که از نظر دو طرف برای هر دو رژیم مشکلاتی ایجاد کرده‌اند، حل‌وفصل نمایند. در کنار این موضوع مهم، در ماه‌های اخیر کشمکش‌های مرزی دو حکومت تروریستی بر سر موضوع اختصاص سهمیه آب هیرمند و برقراری روابط تجاری و فرهنگی قرار دارد که برای ماه‌ها یک بحران جدی در مرزهای دو طرف ایجاد کرد و درگیری‌های نظامی هم پیش آمد، می‌باشد.

یک فاکتور دیگر برای کاهش اختلافات دو رژیم تروریستی نقش چین در روابط دو طرف است. چین وسیع‌ترین روابط را با ایران و طالبان دارد و در صدد است در جبهه مقابل آمریکا و غرب، از ایران و طالبان به عنوان متحدانش در منطقه استفاده نماید. امری که از چشم آمریکا هم دور نمانده و وزارت خارجه آمریکا بارها به گسترش روابط چین با طالبان و ایران هشدار داده است.

در بطن یک چنین اوضاع‌واحوال و کشمکش‌های سیاسی، دو رژیم تروریست تصمیم

گرفته‌اند که بر سر میلیون‌ها افغانستانی مقیم ایران دست به یک زدوبند زده و این انسان‌ها را قربانی توافقات ارتجاعی و ضدانسانی‌شان بکنند.

رفت‌وآمدهای هیئت‌های نمایندگی دو طرف در ماه‌های اخیر، رهاسازی آب هیرمند به طرف ایران از طرف طالبان، تلاش طالبان برای گرفتن ژست یک "حکومت عادی" و واردشدن به بازی‌های قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی با پادرمیانی جمهوری اسلامی در کنار دادن و گرفتن امتیازات مختلف به همدیگر، بخش‌هایی از توافقات نانوشته دو حکومت تروریستی است که تماماً علیه افغانستانی‌های مقیم ایران بوده و شرایط زندگی این جمعیت میلیونی را روزبه‌روز سخت و غیرقابل تحمل کرده است.

در همسویی با این سیاست جمهوری اسلامی رژیم طالبان هم هر گونه پیوستن خانواده‌های افغانستانی مقیم ایران به خانواده‌هایشان در ایران را ممنوع کرده،

در ماه‌های اخیر جمهوری اسلامی سیاست کثیف اخراج و ایجاد محدودیت برای میلیون‌ها افغانستانی مقیم کشور را تشدید کرده است. یک فاشیسم کامل را علیه پناهندگان افغانستانی در این کشور شاهدیم. هم‌زمان رژیم طالبان ضمن استقبال از این سیاست‌های جمهوری اسلامی، مشغول زدوبند با رژیم برای اخراج میلیون‌ها نفر از ایران در قبال گرفتن امتیازاتی از رژیم و بهبود روابطش با ایران است.

بنا به آخرین گزارشات، جمهوری اسلامی اوایل این هفته اعلام کرد: "با دستورالعمل ابلاغی شورای عالی امنیت ملی حضور، اسکان و اشتغال افغانستانی‌ها در ۱۶ استان کشور، از جمله در آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل، زنجان، کردستان، کرمانشاه، ایلام، لرستان، چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویراحمد، گیلان، مازندران، سیستان و بلوچستان، هرمزگان و همدان ممنوع می‌باشد". همچنین بر اساس مصوبه مجلس در جهت تشدید اقدامات فاشیستی و نژادپرستانه علیه کارگران افغانستانی در اوایل آذرماه، مجلس حکومت مصوب کرد: "هر شخص ایرانی که به اتباع غیرمجاز خارجی خانه اجاره داده یا کارفرمای ایرانی که به اتباع خارجی غیرمجاز کار می‌دهد، مجازات خواهد شد".

اینها تازه‌ترین سیاست‌ها و مصوبات به شدت راسیستی و فاشیستی رژیم در برخورد به میلیون‌ها افغانستانی مقیم کشور است. مصوباتی که اوج ضدانسانی و نژادپرستانه بودن سیاست‌های حکومت را به نمایش گذاشته است. در ماه‌های اخیر حملات نژادپرستانه باندهای راه‌اندازی شده توسط ارادلو و اویش حکومت در مناطق مختلف کشور، در

کنار تبلیغات رسانه‌های رسمی‌اش به یک جو افغانی‌ستیزی در کشور دامن زده است. در چندین شهر کشور همین باندهای حکومتی و نژادپرست به محلات مسکونی این جمعیت حمله کرده، آنها را آتش زده و مناطق سکونتشان را ناامن کرده‌اند.

هم‌زمان وزارت کشور رژیم دست استانداران و فرمانداران استان‌های نامبرده را در "اخراج بی‌درنگ" افغانستانی‌ها باز گذاشته است. طبق گفته سخنگوی اتباع خارجه وزارت کشور رژیم، روزانه صدها افغانستانی "غیرقانونی و غیرمجاز" با یورش نیروهای امنیتی و اطلاعاتی دستگیر و در همکاری با مرزبانان رژیم تروریستی طالبان، از طریق اردوگاه‌های مرزی ویژه اخراج مهاجرین، به افغانستان برگردانده می‌شوند.

وزارت کشور رژیم در واکنش به ممنوعیت ورود افغانستانی‌ها به استان‌های نامبرده، ضمن دفاع از این سیاست ضدانسانی حکومتش، گفته "که این قوانین تازه نبوده و قبلاً هم بوده‌اند که الان در "شرایط



## سیاست فاشیستی حکومت در قبال پناهندگان افغانستانی

را محکوم کنید!

از صفحه ۹

تبلیغات راسیستی حکومت علیه میلیون‌ها افغانستانی مقیم ایران اهداف و سیاست‌های مشخصی را دنبال می‌کنند. ایجاد جو افغانی‌ستیزی، تفرقه‌افکنی نژادپرستانه بین مردم ایران و افغانستانی‌ها، معرفی کردن افغانستانی‌ها به‌عنوان عامل گسترش بیکاری، فقر، ناامنی، اشغال میلیون‌ها شغل توسط کارگران افغانستانی که از نظر رژیم یک عامل بیکاری است و... از جمله اهداف و سیاست‌های نژادپرستانه و راسیستی حکومت بر علیه این جمعیت میلیونی است. حکومت در صدد است کل جامعه را با تبلیغات مسموم این‌چنینی بر علیه این جمعیت بسیج کرده، شرایط کار و زندگی و اسکانشان را ناامن کرده و با تهدیدات روزمره، این مردم را مجبور کرده ایران را ترک نمایند در غیر این صورت دستگیر، جریمه و اخراج خواهند شد.

رژیم‌های تروریستی جمهوری اسلامی و طالبان رسماً و عملاً دست در دست هم مشغول سازماندهی یک فاجعه بزرگ انسانی هستند. تعرضات جمهوری اسلامی به جمعیت میلیونی افغانستانی‌های مقیم ایران، تصویب و به‌اجرا گذاشتن راسیستی‌ترین و ضد انسانی‌ترین سیاست‌ها در برخورد به این جمعیت، اخراج و زندان و بخشا اعدام و... به‌شدت محکوم است. همسویی رژیم طالبان با این سیاست‌های رژیم به همان اندازه ضد انسانی و راسیستی بوده و باید به‌شدت محکوم شود. مردم آزادی‌خواه ایران باید جواب این سیاست‌های راسیستی و ضد انسانی حکومت علیه افغانستانی‌ها را بدهند. اینها شهروندان این کشور هستند و باید حق اقامت، رفت‌وآمد، حق کار، تحصیل، حق برخورداری از بهداشت و درمان و... داشته باشند. باید به دفاع از این جمعیت میلیونی برخاست و با حمایت از این جمعیت میلیونی، جواب دندان‌شکن به حکومت تروریستی جمهوری اسلامی و شریکش رژیم تروریست طالبان داد.

۷ دسامبر ۲۰۲۳

جریمه و زندان برایشان تعیین کرده و بارها اعتراضات خانواده‌های افغانستانی‌های مقیم ایران را در شهرهای افغانستان سرکوب و ده‌ها نفرشان را دستگیر کرده است. رژیم طالبان در اقدامی دیگر در مقابل "خدمات ایران"، برگزاری هرگونه تظاهرات و تجمع در رابطه با موضوع افغانستانی مقیم ایران را ممنوع اعلام کرده است. همه این اقدامات هم دست جمهوری اسلامی را در سرکوب، دستگیری و اخراج ده‌ها هزار نفر از این جمعیت را باز گذاشته است.

اثرات و تبعات زدوبند، توافقات پنهانی و معاملات دو رژیم ارتجاعی بر سر این جمعیت میلیونی بزرگ‌ترین بحران انسانی را رقم زده است. بحرانی که زندگی و هست‌ونیست میلیون‌ها افغانستانی مقیم ایران را با مخاطرات جدی روبرو کرده است.

بیش از دو نسل از این جمعیت در ایران متولد شده است. پدران و مادران اینها در بدترین شرایط و با بیشترین سرکوب‌ها و در سخت‌ترین شرایط در ایران کار کرده، ثروت و امکانات تولید کرده و خودشان از آنها بی‌بهره بوده و سرکوب شده‌اند. این جمعیت میلیونی علی‌رغم سیاست‌های ضد انسانی حکومت در برخورد این انسان‌ها بخشا با مردم ایران ادغام شده و خودشان بخشی از شهروندان این کشور هستند.

ممنوعیت ورود افغانستانی به ۱۶ استان، ایجاد محدودیت تردد، تصویب و به‌اجرا گذاشتن قوانین و مقررات به‌شدت راسیستی و نژادپرستانه توسط جمهوری اسلامی در حق میلیون‌ها انسان، اخراج از کار، جریمه و ده‌ها محدودیت دیگر، به‌شدت محکوم است و باید پاسخ دندان‌شکن از طرف مردم نوع‌دوست و آزاده ایران بگیرد.



مذب کمونیست کارگری ایران

Worker-Communist Party of Iran

**جامعه کمونیستی الگو و نسخه‌ای ساخته و  
پردافته ذهن فردمندانی خیراندیش نیست.  
کمونیسم کارگری جنبشی است که از بطن خود  
جامعه سرمایه‌داری معاصر برمی‌آید و افق و  
آرمانها و اعتراض بفش عظیمی از همین جامعه  
را منعکس میکند  
(یک دنیای بهتر)**

حکومت اسلامی

نابود باید گردد!



## اطلاعه‌های هفته اخیر

اعتصاب و تجمع بزرگ اعتراضی  
کارگران ذوب آهن اصفهان

کارگران ذوب آهن اصفهان اعتصاب خود را آغاز کردند. امروز شنبه ۱۱ آذرماه کارگران بخش‌های مختلف این مجتمع در اعتراض به پایین بودن دستمزدها و وضع بد معیشتی خود و عدم پاسخگویی به مطالبات اعلام شده خود دست به اعتصاب زدند. کارگران اعتصابی ذوب آهن پس از راهپیمایی در محوطه کارخانه، مقابل ساختمان مدیریت تجمع کردند.

فراخوان این اعتصاب از قبل داده شده بود و علی‌رغم ممانعت حراست و مدیریت شرکت، تعداد زیادی از کارگران از هر سه شیفت کارخانه در آن شرکت کردند. همسان‌سازی حقوق‌ها با سایر شرکت‌های فولادی و افزایش فوری دستمزدها و دیگر آیت‌های مزدی و نیز اجرای صحیح و بدون تبعیض طرح طبقه‌بندی مشاغل که می‌تواند بهبودی در سطح دستمزدها بدهد خواست‌های فوری این کارگران است که بارها آنها را اعلام کرده و بر سر آن اعتراض داشته‌اند. در پنجم آذر نیز این کارگران به صورت اضطراری و به صورت نمادین از گرفتن غذای کارخانه امتناع کردند و هشدار خود را به مدیریت دادند. اما چون پاسخی قانع‌کننده داده نشد، کارگران همان‌گونه که اعلام کره بودند اعتصاب خود را آغاز کردند.

حزب کمونیست کارگری از خواست‌ها و اعتراضات کارگران ذوب آهن فعالانه حمایت می‌کند و کارگران را اعتصابی را به اتکا به مجمع عمومی کارگران برای حفظ اتحاد و مقابله با توطئه‌های مدیریت و حراستی‌ها فرامی‌خواند.

تجربه کارگران ارکان ثالث و پیمانی در تشکیل شورای سازماندهی اعتراضات نشان می‌دهد که این شوراها ابزار مؤثری در رساندن صدای اعتراضات به همه کارگران و حفظ اتحاد کارگران است. حزب بر ایجاد این شوراها در همه مراکز کارگری تأکید دارد. از سوی دیگر اعتراض به سطح نازل حقوقها و وضع بد معیشتی یک موضوع اعتراض سراسری کارگری است. با حمایت از اعتراضات یکدیگر اعتراضات علیه تعرضات معیشتی حکومت و برای داشتن زندگی ای بهتر را باید تقویت و پشتیبانی کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۱ آذر ۱۴۰۲، ۲ دسامبر ۲۰۲۳

به مناسبت روز جهانی حقوق بشر  
علیه اعدام و علیه آپارتاید جنسی در ایران  
برای بایکوت جهانی جمهوری اسلامی  
به میدان آید!

یکشنبه دهم دسامبر، برابر با ۱۹ آذر، روز جهانی حقوق بشر است. این روز فرصتی است که در ایران و در سراسر جهان علیه جمهوری اسلامی که قاتل انسان و بشریت است به میدان آمد.

این روزی است که باید علیه حکومت اسلامی اعدام در ایران که مقام اول سرانه قتل عمد دولتی در جهان را دارد و حتی کودکان را اعدام می‌کند، به اعتراض برخاست. این روزی است که باید علیه حکومت آپارتاید جنسیتی در ایران که می‌کوشد حجاب و جهنمی ضد زن را به مردم ایران تحمیل کند به میدان آمد. فرصتی است که تک‌تک قوانین و عملکردها حاکمان اسلامی ایران، از شلاق‌زدن کارگران و شکنجه فعالین سیاسی تا شنیع‌ترین جنایات علیه "اقلیت‌های مذهبی" تا به گوله بستن تظاهرات در خیابان‌های ایران و جهان به محاکمه کشید. فرصتی است تا زن زندگی آزادی، فریاد انقلاب مردم ایران که رهایی و برابری بشریت را نوید می‌دهد، با صدایی هرچه بلندتر طنین اندازد. این روزی است که باید از قدرت‌های جهان خواست تا جمهوری اسلامی را به عنوان رژیم آپارتاید جنسیتی و به عنوان قاتل مردم ایران و به جرم جنایت علیه بشریت محکوم و بایکوت سیاسی کنند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۸ آذر ۱۴۰۲، ۲۹ نوامبر ۲۰۲۳

\*\*\*\*\*

## تجمع اعتراضی پرستاران در خرم‌آباد

در ادامه اعتراضات بخش‌های مختلف پرستاران، امروز شنبه ۱۱ آذر پرستاران خرم‌آباد در اعتراض به وضع بد معیشتی و شرایط سخت کاری خود و به‌ویژه عدم پرداخت تعرفه‌ها و دیگر طلب‌هایشان در مقابل ستاد دانشگاه علوم پزشکی این استان تجمع کردند.

موج جدیدی از اعتراضات پرستاران آغاز شده است. سطح نازل حقوقها، فشار سنگین کاری و اضافه‌کاری‌های اجباری به دلیل عدم استخدام پرستار به میزان کافی، استاندارد پایین بهداشتی بیمارستان‌ها، اخراج‌ها و تعویق پرداخت حقوقها و استخدام‌های موقت و پیمانی از جمله موضوعات اعتراضات پرستاران است. در یک ماه اخیر بر سر این موضوعات پرستاران در شهرهای اهواز، دیواندره، مشهد، تهران، فسا، سنندج، صومعه‌سرا، رشت، سقز، کرمانشاه، ارومیه، کاشان، آران و بیدگل، یزد، اسلام‌آباد غرب و اراک تجمعاتی داشته و پیگیر مطالباتشان شده‌اند. خواست‌ها و اعتراضات پرستاران مستقیماً به وضع بهداشت و درمان در جامعه مربوط است. از این اعتراضات باید فعالانه و وسیع پشتیبانی کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۱ آذر ۱۴۰۲، ۲ دسامبر ۲۰۲۳

کارگران جهان  
متحد شوید!

## تجمعات بازنشستگان تأمین اجتماعی و فولاد

## در شهرهای مختلف

امروز ۱۲ آذرماه بازنشستگان تأمین اجتماعی در یکی دیگر از یکشنبه‌های اعتراضی در شهرهای شوش، اهواز، اراک و کرمانشاه تجمع کردند و با شعار دادن و راهپیمایی اعتراض خود را ابراز کردند.

در کرمانشاه یکی از زنان بازنشسته طی سخنرانی پرشوری برنامه «توسعه هفتم» حکومت را برنامه‌ای برای غارت بیشتر مردم خواند و با اشاره به افزایش سن بازنشستگی و سخنان مسخره حکومتیان مبنی بر این که امید به زندگی در میان بازنشستگان بالا رفته فریاد اعتراضش را بلند کرد. سخنان او به طور واقعی کیفرخواستی علیه حاکمین و پی‌خبری آنان از ابعاد فقر و بی‌تامینی مردم بود و با کف‌زدن پی‌درپی بازنشستگان معترض همراه شد.

بازنشستگان شوش و کرخه و هفت‌تپه در شوش دست در دست هم گرد آمدند و مثل هر هفته فضای پر شوری از اعتراض را شکل دادند.

در این روز همچنین بازنشستگان صنایع فولاد در اصفهان، خوزستان، مازندران و البرز غربی همچون هفته‌های دیگر در اعتراض به وضعیت نامناسب معیشتی و عدم پاسخگویی به خواسته‌هایشان تجمع داشتند. در اصفهان تجمع بزرگی از بازنشستگان فولاد برگزار شده بود و تجمع‌کنندگان با شعارهای "کشور پردرآمد، چه بر سر تو آمد"، "صندوق رو خالی کردند، ما را بیچاره کردند" صدای اعتراضشان را علیه دزدی‌ها و چپاولگری‌ها بلند کرده و با شعار تا حق خود نگیریم از پی‌نشینیم بر تداوم اعتراضاتشان تأکید داشتند.

در اعتراضات این روز بازنشستگان با این شعارها خشم خود را نسبت به اجحافات و دزدی‌ها بیان می‌کردند: "لشکری، کشوری، تأمین اجتماعی، اتحاد، اتحاد"، "اتحاد اتحاد علیه فقر و فساد"، "بازنشسته داد بزن، حق تو فریاد بزن"، "با این حقوق ناچیز، جان‌ها به لب رسیده"، "حاصل کار دولت، غارت خون مردم"، "گرانی ساعتی کمر ما را شکسته"، "تأمین اجتماعی افتضاح، افتضاح"، "خواسته اصلی ما حقوق طبق تورم"، "خواسته ما این زمان، معیشت است و درمان"، "دولت ورشکسته دشمن بازنشسته"، "تا حق خود نگیریم، آرام نمی‌نشینیم"، "حقوق بازنشسته، فقط واسه یک هفته!"، و "فقط کف خیابان به دست میاد حقان".

اعتراضات پیوسته بخش‌های مختلف بازنشستگان در روزهای مختلف هفته نقش مهمی در جنب‌وجوش فضای اعتراضی سیاسی ایفا کرده‌اند. این تجمعات در هر هفته با جمعیتی بیشتر و در صافی متحدتر برگزار می‌شود. بازنشستگان صدای اعتراض کل جامعه علیه فقر و بی‌تامینی و چپاولگری‌های حکومت هستند. خواسته‌های آنها و تأکیدشان بر درمان رایگان و حق داشتن یک زندگی شایسته انسانی خواسته‌های همه مردم است. از خواسته‌ها و مبارزات بازنشستگان باید وسیع حمایت و پشتیبانی کرد.

## حزب کمونیست کارگری ایران

۱۲ آذر ۱۴۰۲، ۳ دسامبر ۲۰۲۳



اخبار نفت: شماره ۳۱

## تجمع دوباره کارگران رسمی شرکت بهره‌برداری نفت و گاز آغاچاری

اعتراضات کارگران رسمی نفت ادامه دارد. امروز یکشنبه ۱۲ آذرماه کارگران شرکت بهره‌برداری نفت و گاز آغاچاری در ادامه اعتراضاتشان به تعرضات معیشتی حکومت و عدم پاسخگویی به خواسته‌های اعلام شده خود بار دیگر دست به تجمع زدند. عدم رسیدگی به خواسته‌های اعلام شده کارگران موضوع اعتراض آنهاست. خواسته‌های کارگران رسمی نفت در مراکز عملیاتی عبارت‌اند از: حذف کامل سقف حقوق مناطق عملیاتی نفتی، حذف تبعیض میان کارکنان عملیاتی در سقف پرداخت‌ها، استرداد کسورات مالیاتی، عدم دست‌اندازی به صندوق بازنشستگی نفت، حذف سقف پاداش پایان خدمت و پرداخت کامل سنوات کارکنان، اجرای کامل ماده ده و پرداخت معوقات به دلیل سال‌ها اجرانشدن سنوات و ماده ده.

این کارگران اعلام کرده‌اند که تا وقتی پاسخ نگیرند به اعتراضات خود ادامه می‌دهند و کارگران رسمی در مناطق مختلف عملیاتی روزهایی از هفته را به‌عنوان روز اعتراض ثابت خود اعلام کرده‌اند.

اعتراضات در نفت اکنون هر روزه جریان دارد و در حال گسترش است. بخش‌های دیگر شاغل در نفت نیز در حال اعتراض هستند. کارگران معترض اعلام کرده‌اند که تا عملی شدن خواسته‌هایشان به مبارزه ادامه می‌دهند. صدای کارگران نفت را به هر شکل ممکن بازتاب دهید. به کارزار حمایت از کارگران نفت که از جانب حزب کمونیست کارگری به جریان افتاده پیوندید.

## حزب کمونیست کارگری ایران

۱۲ آذر ۱۴۰۲، ۳ دسامبر ۲۰۲۳

\*\*\*\*\*

## دومین روز اعتصاب قدرتمند

## کارگران ذوب آهن اصفهان

امروز ۱۲ آذر اعتصاب قدرتمند و متحدانه کارگران ذوب آهن اصفهان در اعتراض به پایین بودن سطح دستمزدها و وضع بد معیشتی وارد دومین روز خود شد. بخش‌های مختلف این مجتمع هزاران نفره کارگری از هر سه شیفت آن در اعتصاب شرکت دارند. کارگران اعتصابی در روز گذشته با راهپیمایی در محوطه شرکت و فریاد اعتراضشان صحنه پرشوری از اعتراض را آفریدند و طنین شعارهایشان بر فضای کارخانه طنین انداخته بود. امروز اعتصاب علی‌رغم ممانعت‌های حراست و مدیریت و ارسال پیامک‌های تهدیدآمیز به کارگران معترض در ساعت هشت صبح آغاز شد و کارگران در محوطه شرکت تجمع کردند. در تجمع امروز گرد ویژه برای مقابله با اعتصاب وارد مجتمع ذوب آهن شد. اما کارگران اعلام کرده‌اند که اگر پاسخ نگیرند به اعتراض متحدانه خود ادامه می‌دهند. این کارگران در فراخوان روز گذشته خود ضمن اشاره به وضع بد معیشتی و تحمل سال‌ها فقر و نداری و محرومیتشان از داشتن یک زندگی شایسته می‌نویسند: "این بار کارگران با هم متحد شده و حق خود را خواهند گرفت. امروز آغاز کار بود و ادامه خواهد داشت".

فراخوان کارگران حاکی از فضای به‌شدت خشم‌آلود و اعتراضی در این مجتمع بزرگ کارگری است.

همسان‌سازی حقوقها با سایر شرکت‌های فولادی و افزایش فوری دستمزدها و دیگر آیتم‌های مزدی و نیز اجرای صحیح و بدون تبعیض طرح طبقه‌بندی مشاغل که می‌تواند بهبودی در سطح دستمزدها بدهد

خواست‌های فوری اعلام شده کارگران ذوب آهن است.

حزب کمونیست کارگری از خواست‌ها و اعتراضات متحدانه کارگران ذوب آهن فعالانه حمایت می‌کند و بار دیگر بر برپایی مجمع عمومی به‌عنوان مکان و ابزار مؤثری برای حفظ اتحاد همه کارگران برای تداوم قدرتمندتر اعتراض و مقابله با توطئه‌گری‌های مدیریت و حراستی‌ها تأکید دارد. اعتراض به سطح نازل حقوقها و وضع بد معیشتی موضوع اعتراض سراسری کارگران است. از اعتراضات کارگران ذوب آهن اصفهان باید وسیعاً حمایت کرد.

**حزب کمونیست کارگری ایران**

۱۲ آذر ۱۴۰۲، ۳ دسامبر ۲۰۲۳



## تجمعات اعتراضی سراسری بازنشستگان مخابرات

در هجده شهر

## و بیانیه کانون نویسندگان و شورای بازنشستگان به مناسبت روز جهانی علیه سانسور

امروز سیزده آذرماه بازنشستگان مخابرات در ادامه دوشنبه‌های اعتراضی خود در سطح سراسری دست به تجمعات اعتراضی زدند و خواست‌های اعتراضی خود را پیگیر شدند. بنا به گزارشات تا کنونی این تجمعات در شهرهای اردبیل، اصفهان، اراک، تبریز، سنندج، اهواز، شهرکرد، رشت، زنجان، کرمانشاه، مریوان، کرمان، ارومیه، شیراز، زاهدان، همدان، خرم‌آباد و تهران، برگزار شده است.

در این حرکت اعتراضی بازنشستگان مخابرات در برخی شهرها همچون اهواز، تهران تجمع و راهپیمایی داشتند و با فریاد شعارهایشان صدای اعتراض خود را علیه فقر و بی‌تامینی و تعرضات معیشتی حکومت بلند کردند.

در این اعتراضات بازنشستگان شعار می‌دادند: "معیشت منزلت حق مسلم ماست"، "یک اختلاس کم بشه، مشکل ما حل میشه"، "حقوق ما ریالیه، هزینه‌ها دلاریه"، "بازنشسته داد بزن، حق تو فریاد بزن"، مخابرات رها شده/ اسیر قلدر شده"، "طلب بازنشسته/ پرداخت باید گردد"، "تا حقمو نگیرم، از پا نمی‌نشینم"، تا حق خود نگیریم، دوشنبه‌ها می‌آییم"

روز گذشته نیز بازنشستگان تأمین اجتماعی تجمع داشتند که علاوه بر شهرهای گزارش شده شوش، اهواز، اراک و کرمانشاه این بازنشستگان در دزفول و مشهد نیز تجمع داشتند. اعتراضات بازنشستگان هر روزه علیه فقر و بی‌تامینی و تعرضات حکومتی و چپاولگری‌های حاکم و برای داشتن زندگی ای شایسته انسان برپا می‌شود. از اعتراضات و خواست‌های

بازنشستگان وسیعاً حمایت و پشتیبانی کنیم.

آخرین خبر اینکه امروز سیزدهم آذرماه روز جهانی مبارزه علیه سانسور و آزادی رسانه است و به این مناسبت تشکل‌های و نهادهای مختلف مردمی همچون کانون نویسندگان ایران و شورای بازنشستگان ایران طی بیانیه‌هایی این روز را گرامی داشته و در آن سرکوبگری‌های حاکم را محکوم کرده و بر نقش آزادی‌های سیاسی پایه‌ای در ایران تأکید کردند. از جمله در بخشی از بیانیه کانون نویسندگان ایران چنین آمده است: "مقاومت در برابر سانسور، عمل به حق آزادی بیان است و آن‌ها که چنین می‌کنند حق آزادی خود را به جا می‌آورند. این یعنی آزادانه زیستن در شرایط استبدادی. تعیین یک روز برای بزرگداشت مبارزه با سانسور بخشی. از مقاومت در برابر اختناق است. روزی است که باید این مقاومت و مبارزه را پیش چشم جامعه آورد، درباره آن به گفت‌وگو نشست، رهروانش را بزرگداشت و بر شمار آن‌ها افزود، جان‌باختگانش را یاد و هدف‌هایش را یادآوری کرد؛ از جامعه بدون سانسور و تالاف رنگ‌های گوناگون انسانی و پژواک آهنگ صداهای متفاوت در آن سخن گفت. ۱۳ آذر به همین منظور روز مبارزه با سانسور نام‌گذاری شده است. کانون نویسندگان ایران ۱۳ آذر روز مبارزه با سانسور را که امسال مصادف با بیست و پنجمین سال دادخواهی قتل سیاسی محمد مختاری و محمدجعفر پوینده است گرامی می‌دارد و اهل قلم، هنرمندان و همه مخالفان سانسور را به بزرگداشت این روز فرا می‌خواند." در بیانیه شورای بازنشستگان ایران نیز با اشاره به انقلاب زن، زندگی، آزادی و اعتراض به احضار و بازجویی و دستگیری صدها خبرنگار و روزنامه‌نگار در این مدت بر آزادی رسانه تأکید کرده و می‌نویسد: "شورای بازنشستگان ایران با گرامیداشت روز مبارزه با سانسور و آزادی رسانه، از حق طبیعی آزادی بی‌قیدوشرط اندیشه و بیان، و تضمین گردش آزاد اطلاعات در همه اشکالش دفاع کرده و هرگونه مانع و محدودیت و کاستن از دسترسی به این حق را مصداق سرکوب و تعرض به حقوق مردم می‌داند و خواستار آزادی فوری و بدون قیدوشرط خبرنگاران و روزنامه‌نگاران در حبس و پایان‌دادن به پرونده‌سازی‌های امنیتی - قضائی برای آنان است."

**حزب کمونیست کارگری ایران**

۱۳ آذر ۱۴۰۲، ۴ دسامبر ۲۰۲۳

\*\*\*\*\*

## بیست و هفتمین هفته اعتراضات سراسری

### بازنشستگان کشوری

رئییی قالیباف این آخرین پیام است

ارتش بازنشسته آماده قیام است

روز سه‌شنبه چهاردهم آذرماه بازنشستگان کشوری شامل معلمان و بخش‌های دیگر کارکنان بازنشسته در کرمانشاه، همدان، سنندج، اهواز، و ممسنی، تجمع کردند و با شعار دادن اعتراض خود را به وضعیت غیرقابل تحمل معیشتی خود و اختلاس‌ها و اجحافات ابراز کردند و علیه دولت و مقامات حکومت ابراز خشم کردند.

در کرمانشاه بازنشستگان در تجمع باشکوه خود شعار می‌دادند "رئییی قالیباف این آخرین پیام است ارتش بازنشسته آماده قیام است" و "حسین حسین شعارشون، دزدی و غارت کارشون"، و "دشمن ما همین جاست دروغ میگن آمریکا است".

در سنندج یکی از زنان بازنشسته در جمع بازنشستگان سخنرانی کرد و خواست‌ها و مشکلات بازنشستگان و مبارزه آنها برای حق و حقوقشان را مورد تأکید قرار داد. سخنان او با کف‌زدن تجمع‌کنندگان مورد استقبال قرار گرفت. جمعیت شعار می‌دادند: "معلم زندانی آزاد باید گردد".

در اهواز بازنشستگان مثل سه‌شنبه‌های گذشته تجمع کرده و برهه‌هایی با

نوشته‌هایی چون "شاغل و بازنشسته اتحاد اتحاد"، "معیشت، منزلت، حق مسلم ماست"، "درمان رایگان حق مسلم ماست" خواست‌ها و پیام خود به جامعه را فریاد می‌زدند.

اعتراضات در میان بخش‌های مختلف بازنشستگان گسترده است و هر هفته قدرتمندتر به جلو می‌رود. بازنشستگان با شعار "فقط کف خیابان به دست میاد حقمون" بر تداوم اعتراضات خود برای پیگیری مطالباتشان تأکید می‌کنند.

**حزب کمونیست کارگری ایران**

۱۴ آذر ۱۴۰۲، ۵ دسامبر ۲۰۲۳

\*\*\*\*\*

## جنب‌وجوش در دانشگاه‌ها در آستانه ۱۶ آذر، ادامه

### اعتصاب لنج‌داران بندر گناوه و اعتراضات

### مال‌باختگان رضایت خودروی طراوت نوین



دانشگاه یک سنگر مهم انقلاب است. در آستانه روز دانشجو شانزده آذر فضای اعتراض در میان دانشجویان برای اعتراض در این روز ملت‌هت‌تر شده و دانشجویان با بیانیه‌هایشان و با شعارنویسی‌هایشان به استقبال این روز می‌روند. بنا بر خبرها قرار است فردا پانزدهم آذر قالیباف جنایت کار جهت سخنرانی به دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات تهران برود و دانشجویان با شعارهای اعتراضی و نوشتن "قالیباف برو گمشو"، "قاتل برو گمشو" فریاد اعتراضشان را بلند کرده‌اند.

درعین حال کارزار "از تعلیق بگو" از جمله یک کارزار مهم امروز دانشجویان علیه تعلیق‌های صورت گرفته در قبال دانشجویان معترض است. این کارزاری علیه سرکوب‌ها و برای بازگشتن دانشجویان تعلیقی به کلاس درس است. در بخشی از اطلاعیه اولیه این کارزار اشاره دارد به اینکه در ۱۵ دانشگاه کشور بیش از هزار نفر ممنوع‌الورود و ۶۰۰ دانشجو تعلیق شده‌اند. در همین راستا جمعی از دانشجویان تعلیقی در آستانه شانزده آذر بیانیه‌ای داده و در آن ضمن اعلام اعتراض به حقوق پایمال شده خود بر خواست‌های فوری‌شان تأکید کرده و اخطار داده و می‌نویسند: "حاکمیت با اعمال سرکوب افسارگسیخته و همه‌جانبه برای خاموش کردن هرگونه تلاش برای ایجاد تغییر و سلب امکان کنش‌گری، دانشجویان را به‌عنوان آینده‌ایران به ورطه نابودی خواهد کشاند. بدیهی است تبعات این ویرانی گریبان‌گیر مسیر توسعه جامعه ازهرجهت خواهد شد تا آینده‌ای به‌مراتب تاریک‌تر از امروز پیش رویمان باشد". در بخشی از اطلاعیه اولیه این کارزار آمده است که "طبق آمارهای غیررسمی که نمی‌توان کامل به آنان اعتماد کرد، در ۱۵ دانشگاه کشور بیش از هزار نفر ممنوع‌الورود و ۶۰۰ نفر تعلیق هستند".

مطالبات اعلام شده این دانشجویان عبارت‌اند از: حق تحصیل در دانشگاه، حق تشکیل اجتماعات مسالمت‌آمیز، حق آزادی اندیشه و بیان، حق انتقاد و مطالبه‌گری، حق برخورداری از دادرسی عادلانه، حق برخورداری از خوابگاه، و حق حفظ حریم خصوصی.

در این روز همچنین لنج‌داران بندر ریگ و بخشی از بازاریان تجاری گناوه برای چندمین بار در اعتراض به وضع بد معیشتی و محدودیت‌های ایجاد شده برای خریدوفروش لنج‌داران استان بوشهر و حذف قانون کالای همراه ملوانان دست به اعتصاب زدند. اعتصاب بازار گناوه وارد دومین هفته می‌شود. بنا بر خبرها صاحبان کسب‌وکارهای مختلف دیگر از جمله لنج‌داران، کامیون‌داران، وانت‌داران، گاری‌داران، کارگران و ملوانان نیز با این اعتراضات همراه‌اند. این اعتراضات به مصوبه حکومت تحت عنوان "ساماندهی و نظارت بر تجارت مرزی" است که برای واردات کالاهای "لنجی" محدودیت ایجاد می‌کند و زندگی هزاران تن را مختل می‌سازد. معترضین می‌گویند درحالی‌که دزدی‌های کلانی توسط خود دار و دسته‌های حکومت انجام می‌گیرد این محدودیت‌ها را برای کسب‌وکار آنها ایجاد کرده و تنها ممر در آمد و امرامعاش آنها را کور می‌کنند. در این حرکت اعتراضی تجمع اعتراضی لنج‌داران بندر ریگ مقابل بخش‌داری بندر با سفره‌های خالی صدای اعتراضشان را علیه فقر و بی‌تامینی بلند کردند. عدم ترخیص کالاها از گمرک، خانه‌خرابی لنج‌داران و کسبه‌ای که زندگی و معیشتشان به دریا و خریدوفروش کالاها وابسته است، از جمله مشکلات کاری این کارگران است که از این طریق زندگی می‌گذرانند.

و بالاخره خبر دیگر امروز مربوط به ادامه اعتراضات غارت‌شدگان رضایت خودروی طراوت نوین تاکستان است. این مال‌باختگان این بار در مقابل ساختمان دادگستری کل کشور در تهران تجمع داشتند و با پهن کردن با سفره‌های خالی اعتراض خود را به فقر و بی‌تامینی و بساط چپاولگری حاکم اعلام داشته و پیگیر مطالبات خود شدند. تجمع‌کنندگان شعار می‌دادند: "نگاه پشت شیشه جواب ما نمیشه..."

شرکت رضایت خودروی طراوت نوین اندوخته‌های ۳۸ هزار نفر را بالا کشیده است. کارگروه شرکت‌های خودرویی استان قزوین در سی‌ام آبان‌ماه اعلام کرد که محمدرضا غفاری، مالک و مدیر بازرگانی شده رضایت خودروی طراوت نوین، مبلغ بیش از ۸ هزار میلیارد تومان که بخشی از دارایی‌هایی است که به همین مال‌باختگان تعلق دارد را به اروپا انتقال داده است. مال‌باختگان می‌گویند که دزد و پلیس و قاضی و مفتی همه دست در یک کاسه دارند و خواستار پرداخت فوری طلب‌هایشان هستند.

**حزب کمونیست کارگری ایران**

۱۴ آذر ۱۴۰۲، ۵ دسامبر ۲۰۲۳

\*\*\*\*\*

اخبار نفت: شماره ۳۳

## ادامه اعتراض کارگران پتروشیمی آبادان

### و اعتراضات کارگران رسمی نفت

امروز سه‌شنبه ۱۴ آذر حرکت اعتراضی کارگران پتروشیمی آبادان در اعتراض به تعویق پرداخت دستمزدها و حق بیمه کارگران ادامه یافت. بنا بر خبرها ۵۰۰ کارگر این پتروشیمی بین یک تا سه ماه مزد و حق بیمه طلب دارند.

کارگران رسمی نفت نیز در اعتراض هستند. روز یکشنبه ۱۲ آذر علاوه بر کارگران شرکت بهره‌برداری نفت و گاز آغاچاری که قبلاً اعتراض آنها را گزارش کردیم کارگران رسمی شاغل در فلات قاره در جزایر خارک و سیری نیز تجمع اعتراضی داشتند.

اعتراض این کارگران به تعرضات معیشتی حکومت و عدم پاسخگویی به خواست‌های اعلام‌شده‌شان است. خواست‌های کارگران رسمی نفت در مراکز عملیاتی عبارت‌اند از: حذف کامل سقف حقوق مناطق عملیاتی نفتی، حذف تبعیض میان کارکنان عملیاتی در سقف پرداخت‌ها، استرداد کسورات مالیاتی، عدم دست‌اندازی به صندوق بازنشستگی نفت، حذف

این سرکوبگری‌ها کارگران که موفق به تجمع نشده بودند به محل کار خود رفتند. اما از کارکردن خودداری کرده و بدین ترتیب اعتصاب ادامه یافت. طبق گزارشات مدیریت شرکت ذوب آهن برای در هم شکستن صف متحد اعتراض کارگران طی این دو روز برخی از کارگاه‌ها را تعطیل اعلام کرده است.

در پی این سرکوبگری‌ها بیانیه‌ای تحت عنوان "اعتراض و مطالبه‌گری حق قانونی ما کارگران است، بر اعمال فشار و آزار همکارانمان پایان دهید" با امضای "مجمع کارگران ذوب آهن اصفهان" انتشار داده شد. در سر سخن این بیانیه چنین آمده است: "پس از حضور قدرتمند و متحدانه ما در روز شنبه ۱۱ آذر و طنین شعار "گارد ویژه و باتوم دیگه اثر ندارد"، کوهی مدیرعامل شرکت با هزار خواری و ذلت درصدد توجیه گسیل دادن یگان ویژه در سال گذشته برآمد. اما بلافاصله در روز یکشنبه و دوشنبه با وارد کردن نیروهای گارد ویژه و چماق به دستان حراستی به داخل شرکت و تهدید و احضار و بازداشت همکارانمان و همچنین ممانعت از ورود و ضبط کارت آنها، این مدیرعامل خائن و ضدکارگر به‌وضوح نشان داد که "توبه گرگ مرگ است".

در این بیانیه کارگران معترض ذوب آهن اصفهان اولتیماتوم داده و می‌نویسند: "قاطعانه اعلام می‌کنیم که قدرت و اراده ما کارگران را دوباره آزمایش نکنید! فراموش نکنید که ۱۸۰۰۰ پرسنل در این شرکت مشغول به کار هستند و جمعاتی که تاکنون برگزار کرده‌ایم همواره چند هزار نفره بوده است. ما را وادار نکنید تا قدرت خود را در ابعاد بزرگ‌تر و در سطوح بالاتری به شما نشان دهیم! فراموش نکنید که چرخ‌های این صنعت با دستان ما می‌چرخد و با دستان ما نیز می‌تواند متوقف گردد. شمارش معکوس برای شما آغاز شده است." با این اولتیماتوم کارگران بر خواست‌های فوری خود اشاره کرده و اعلام می‌کنند: "ما قاطعانه بر خواست‌های خود از جمله تصحیح و اجرای کامل طرح طبقه‌بندی مشاغل، افزایش مزد و پاداش و دیگر خواسته‌های خود تأکید داریم. فکر دورزدن و نادیده گرفتن مطالبات ما را از سر بیرون کنید. به‌فوری باید اقداماتی در راستای تحقق خواسته‌های ما کارگران آغاز کرده و اعلام نمایید.

کارگران ذوب آهن اصفهان در بیانیه خود بر حق تشکل و اعتراض تأکید کرده و آزادی فوری و بدون قیدوشرط کارگران بازداشتی و رفع سریع مشکل کارگرانی که در روند ورود و خروجشان اختلال ایجاد شده و یا کارت‌هایشان متوقف شده است را مورد پافشاری قرار داده‌اند.

کارگران ذوب آهن اصفهان در بیانیه خود عدم اجرای طبقه‌بندی مشاغل طی ده سال گذشته و به‌تبع آن عدم پرداخت افزایش حقوق ناشی از اجرای این طرح را دزدی و غارت از کارگران خوانده و خواستار همسان‌سازی حقوق خود با سایر شرکت‌های فولادی شدند. این کارگران همچنین وارد کردن فشارهای امنیتی از جمله تهدید و احضار و بازداشت کارگران به‌خاطر طلب حق و حقوقشان و نیز ورود نیروهای نظامی و گارد ویژه به محیط کارشان را مورد اعتراض قاطع خود قرار دادند.

اعتصاب قدرتمند کارگران ذوب آهن اصفهان این مجتمع هزاران نفره کارگری و اولتیماتوم آنها به ادامه اعتراضات خود در صورت پاسخ نگرفتن فوری مطالباتشان نشانگر گوشه دیگری از خیزش کارگری در برابر توحش و بربریت حاکم است. حزب کمونیست کارگری ضمن حمایت قاطع از اعتراضات و خواست‌های کارگران ذوب آهن اصفهان بر آزادی فوری کارگران بازداشتی تأکید می‌کند.

**حزب کمونیست کارگری ایران**  
۱۴ آذر ۱۴۰۲، ۵ دسامبر ۲۰۲۳

سقف پاداش پایان خدمت و پرداخت کامل سنوات کارکنان، اجرای کامل ماده ده و پرداخت معوقات به دلیل سال‌ها اجرائنشدن سنوات و ماده ده. این کارگران اعلام کرده‌اند که تا وقتی پاسخ نگیرند به اعتراضات خود ادامه می‌دهند و کارگران رسمی در مناطق مختلف عملیاتی روزهایی از هفته را به عنوان روز اعتراض ثابت خود اعلام کرده‌اند.

اعتراضات در نفت در حال گسترش است و روزهای مختلفی از هفته را به خود اختصاص داده است. به هر شکل که می‌توانید به کارزار حمایت از کارگران نفت که حزب کمونیست کارگری آن را اعلام کرده پیوندید و صدای کارگران نفت را بازتاب دهید.

**حزب کمونیست کارگری ایران**

۱۴ آذر ۱۴۰۲، ۵ دسامبر ۲۰۲۳

\*\*\*\*\*

اخبار نفت: شماره ۳۴

## ادامه اعتراض کارگران پتروشیمی آبادان

### و اعتراضات کارگران رسمی نفت

شاغل و بازنشسته اتحاد اتحاد

امروز سه‌شنبه ۱۴ آذر بازنشستگان صندوق نفت در اهواز در اعتراض به اختلاس‌ها و دست‌اندازی به صندوق بازنشستگی نفت در محل کانون در خیابان امانیه تجمع کردند. این بازنشستگان به عدم پرداخت حق‌حقوق خود و حضور دو وزیر دولتی در هیئت امنای صندوق نفت و بساط دزدسالار حاکم اعتراض دارند. در این رابطه بازنشستگان نفت جمععات بسیاری داشته و کارگران رسمی نفت نیز در کنارشان قرار دارند و مواردی جمععات مشترک داشته‌اند. در حرکت اعتراضی امروز بازنشستگان نفت شعار می‌دادند: "حق روناق کردند ما را بیچاره کردند!"، "حقوق بازنشسته فقط برای یک هفته!"، "وزیر کار حیا کن صندوق نفت خصوصیه!"، "فریادمان بلند است اتحاد اتحاد!"، "صندوق را غارت کردند ما را بیچاره کردند!"، "حقوق نصفه‌نیمه سکوت کنیم همینه! و شاغل و بازنشسته اتحاد اتحاد!".

اعتراض به چپاولگری‌های حکومت یک موضوع سراسری اعتراضات بخش‌های مختلف بازنشستگان و کل جامعه است. بازنشستگان با فریاد "شاغل و بازنشسته اتحاد اتحاد" پرچم اتحاد مبارزاتی طبقه کارگر را به دست گرفته‌اند. این شعار را باید در همه‌جا تکثیر کرد. از مبارزات بازنشستگان علیه دزدی‌ها و اختلاس‌ها و خواست‌های معیشتی‌شان وسیعاً حمایت کنیم.

**حزب کمونیست کارگری ایران**

۱۴ آذر ۱۴۰۲، ۵ دسامبر ۲۰۲۳

\*\*\*\*\*

## کارگران ذوب آهن محکم و استوار ایستاده‌اند

باتوم و گارد ویژه دیگر اثر ندارد

در ادامه سه روز اعتراض قدرتمند کارگران ذوب آهن اصفهان و بازداشت‌های روز گذشته امروز چهاردهم آذرماه نیز کارگران ذوب آهن برای کارت زدن به کارخانه رفتند؛ اما تعدادی از آنها با فقدان کارت خود روبرو شده و از ورود بیش از صد کارگر ممانعت شد. روز گذشته سیزدهم آذرماه کارگران ذوب آهن برای سومین روز دست از کار کشیدند و از همان آغاز صبح در دسته‌های چند صد نفری به سمت محل تجمع همیشگی‌شان به راه افتادند. اما در میان راه مأموران گارد ویژه و حراست از تجمع آنها جلوگیری کرده و تعدادی از کارگران بازداشت شدند. علی‌رغم

کارگر زندانی آزاد باید گردد

اخبار نفت: شماره ۳۶

## تجمع دوباره کارگران رسمی شرکت بهره‌برداری نفت و گاز آغاچاری و کارگران اخیرالاستخدام

بنا بر خبر منتشر شده از سوی شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت امروز چهارشنبه پانزدهم آذرماه، کارگران عملیاتی شرکت بهره‌برداری نفت و گاز آغاچاری به روال روزها و هفته‌های گذشته مقابل ساختمان مدیریت این شرکت تجمع اعتراضی برگزار کردند. خواست‌های فوری این کارگران عبارت‌اند از: حذف سقف حقوق، اصلاح کف حقوق، حذف محدودیت حق سنوات بازنشستگی، اجرای کامل ماده ۱۰ و پرداخت بک - پی ماده ۱۰ و دفاع از صندوق بازنشستگی نفت. آغاچاری یکی از بزرگ‌ترین مراکز نفتی ایران و یکی از کانون‌های داغ اعتراضی در نفت است.

همچنین روز گذشته چهاردهم آذرماه کارگران رسمی اخیرالاستخدام در رابطه با خواست‌های پاسخ‌نگرفته خود تجمع داشتند. اعتراض دیگر در نفت از سوی گروهی از کارگران ارکان ثالث شاغل در باشگاه شماره یک غذاخوری منطقه اصفهان به دلیل عدم تمدید قرارداد کاری خود انجام گرفت. در این روز بعلاوه کارگران بازنشسته نفتی در اعتراض به دست‌اندازی به صندوق بازنشستگی و برای پیگیری مطالبات خود در اهواز تجمع داشتند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۵ آذر ۱۴۰۲، ۶ دسامبر ۲۰۲۳

\*\*\*\*\*

اخبار نفت: شماره ۳۷

## تجمع اعتراضی کارگران ارکان ثالث پالایشگاه نفت آبادان

امروز شانزدهم آذرماه کارگران ارکان ثالث نفت پالایشگاه نفت آبادان در اعتراض به وضع استخدامی خود و تبعیض‌ها، و در اعتراض به نپرداختن مطالبات معوقه و عدم پاسخگویی به خواست‌هایشان دست به تجمع زدند. تبدیل وضعیت استخدامی و حذف شرکت‌های پیمانکاری و در همین راستا رفع تبعیض در پرداخت‌ها و افزایش سطح حقوقها خواست اصلی و کلیدی این کارگران است. دیگر مطالبات اعلام شده فوری این کارگران عبارت‌اند از: اصلاح طرح طبقه‌بندی مشاغل از ابتدای سال جاری، پرداخت دستمزدهای معوقه و رفع اشکالات لیست بیمه، صدور نفت کارت و بن کارت و نیز دریافت تسهیلات با شرایط برابر با دیگر ارکان استخدامی.

در این حرکت اعتراضی کارگران با سردادن شعارهای اعتراضی خود علیه فساد و تبعیض، اقدام رئیس پالایشگاه و مدیران نفت را در تبدیل وضعیت استخدامی چند نفر از خودی‌ها و سفارش شده از بالا را مورد اعتراض قرار داده، و خواستار تبدیل وضعیت تمامی کارگران شدند.

پالایشگاه آبادان یک کانون داغ اعتراض علیه وجود پیمانکاران چپاولگر در مراکز نفتی است. حزب کمونیست کارگری ضمن اعلام حمایت از اعتراضات کارگران ارکان ثالث نفت با خواست مهم حذف شرکت‌های پیمانی همه کارگران در سراسر نفت را به پشتیبانی از این مطالبه که خواستی سراسری است فرامی‌خواند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۶ آذر ۱۴۰۲، ۷ دسامبر ۲۰۲۳

اخبار نفت: شماره ۳۸

## اعتراضات و تجمعات کارگران رسمی نفت ادامه دارد تجمع کارگران رسمی شرکت فلات قاره در بهرگان و بیانیه هشدار کارگران رسمی نفت به وزیر کار

امروز جمعه ۱۷ آذرماه کارگران رسمی شاغل در شرکت نفت فلات قاره در بهرگان به صورت یکپارچه در محل اداره مرکزی این منطقه تجمع کردند و با در دست گرفتن بنرهای اعتراضی خود پیگیر مطالباتشان شدند. این تجمع قبل از شروع ساعت کار صورت گرفت. در اطلاعیه خبری این تجمع اعتراضی کارگران خواست‌های خود را اعلام کرده و بر تداوم اعتراضاتشان تأکید کرده‌اند. خواست‌های اعتراضی این کارگران عبارت‌اند از: حذف کامل سقف حقوق مناطق عملیاتی نفتی، حذف تبعیض میان کارکنان عملیاتی در سقف پرداخت و برداشتن عناوین پشتیبانی و اصلی تخصصی، استرداد مالیات کسر شده از کارکنان عملیاتی نفتی، عدم ادغام صندوق بازنشستگی نفت با سایر صندوق‌های بازنشستگی، حذف سقف پاداش پایان خدمت و پرداخت کامل سنوات کارکنان، اجرای کامل ماده ده و پرداخت معوقات و اصلاح کف حقوق کارکنان اخیرالاستخدام آزمونی. در ادامه این اطلاعیه خبری کارگران بر تداوم اعتراضات خود تأکید کرده و می‌نویسند: "جنبش جمعه‌های اعتراضی کارکنان منطقه نفتی بهرگان تا حصول تک‌تک خواسته‌های یادشده ادامه دارد".

خواست‌های اعلام شده کارگران رسمی در بهرگان خواست‌های سراسری همه کارگران رسمی در نفت است. شورای هماهنگی و همبستگی کارکنان رسمی صنعت نفت خطاب به وزیر کار در چهاردهم آذرماه بیانیه‌ای اخطاری داده تحت عنوان "هشدار جدی شورای هماهنگی و همبستگی کارکنان رسمی صنعت نفت در مورد آتش‌افروزی وزارت کار و آتشی. که مخزن‌های نفت و گاز را شعله‌ور خواهد ساخت. از جان صنعت نفت چه می‌خواهید". در سر سخن این بیانیه چنین آمده است: "جناب وزیر آگاه باشید، کبریتی را که شما در پی افروختن آبی، خط آتشی است که فرجامش به مخزن‌های نفت و گاز می‌رسد، جناب وزیر آتش‌افروزی نکن! نیک بیندیش، وزارت کار را سامان دهید، هزاران جوان بیکار، ره افسردگی در پیش گرفته‌اند، نخبگان در حال کوچ هستند، در اندیشه کارسازی باش جناب وزیر، بیش از این آتش‌افروزی نکن، زیرا شعله‌های سرکش نفت و گاز دامن شما را نیز خواهد گرفت". در این بیانیه سخنی در مورد دست‌اندازی به صندوق بازنشستگی نفت آمده است: "سخنی با وزیر تعاون کار و رفاه و تأمین اجتماعی. مرگ خوب است؛ اما برای همسایه، گاهی سخن از قانون، همانند ترساندن کودکان است از لولوهایی که هیچگاه هیچ‌کس آنها را به چشم ندیده است، قانون خوب است؛ اما نه برای صندوق بازنشستگی تأمین اجتماعی، بلکه برای دیگر صندوق‌ها، راستش را بگوئید، چه نقشه شومی برای صندوق بازنشستگی نفت در سر دارید؟". دست‌اندازی به صندوق بازنشستگی و دزدی‌ها و چپاول‌ها یک موضوع مهم اعتراضات کارگران رسمی و بازنشستگان در نفت است.

این بیانیه‌ها و این اخطارهای شدیدالحن از فضای انفجاری اعتراضی در نفت حکایت می‌کنند. تعرضات معیشتی حکومت و دزدی‌ها و اختلاس موضوع خشم همه کارگران را برانگیخته است. این اعتراض کل جامعه است. از کارگران نفت حمایت کنید و به کارزار حمایت از کارگران نفت پیوندید.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۷ آذر ۱۴۰۲، ۸ دسامبر ۲۰۲۳



## نامه سرگشاده به سازمان جهانی کار نهادهای حقوق بشر و یونیسف

با این نامه می‌خواهیم توجه شما سازمان‌های جهانی کار و نهادهای حقوق بشر را در باره تبدیل شدن مرزهای غرب و شرق ایران (کردستان، آذربایجان غربی، کرمانشاه و سیستان و بلوچستان) را به قتلگاه کولبران، جلب کنیم و از شما تقاضا داریم علیه این توحش آشکارا ضدانسانی رژیم تبهکار اسامی در ایران را تحت منگنه فشار قرار دهید و خواهان قطع شلیک توسط مرزبانان به طرف کولبران شوید.

سال‌های سال است که هزاران نفر از جوانان و کارگران بیکار از سن نوجوانی و زیر سال تا سالمند ۷۰ ساله در مرزهای غرب و شرق ایران به کولبری مشغول‌اند. در این سال‌ها صدها نفر از این کولبران در مرزها مورد حملات مسلحانه با سلاح‌های جنگی و ساچمه‌ای توسط نیروهای مرزبان فرار می‌گیرند.

هر روز در اثر شرایط اقتصادی و تورم بالا زندگی بر مردم ایران تلخ‌تر می‌شود. پیدا کردن موقعیت شغلی در تعدادی از استان‌ها از جمله در کردستان، سیستان و بلوچستان و خراسان شمالی برای جوانان تحصیل کرده کم و کمتر شده، اخراج و بیکارسازی و تعطیلی پروژه‌های ساختمانی که کارگران این مناطق مشغول بکار بودند، بیشتر شده، بیمه بیکاری، تأمین معیشت، دارو و امکانات رفاهی که زندگی جوانان و کارگران بیکار شده را تأمین کند، وجود خارجی ندارند.

سیل روی آوری به کولبری افزایش چشمگیری دارد.

حکومت جمهوری اسلامی ایران، با قوانینی که فقط روی کاغذ سیاه شده، صدور کارت کولبری را به تصویب رسانده، اما اخذ کارت کولبری طبق گفته‌های کولبران در سخت‌ترین پروسه اداری انجام می‌شود. تعداد معدود کولبران که کارت کولبری هم دارند، حاضر به تن دادن به قوانین گمرکی و اداری نیستند.

هزاران جوان و کارگر بیکار هم اکنون مشغول کولبری هستند. کولبران از روی ناچاری با بارهای سنگین باید ساعت‌ها در مناطق صعب‌العبور از ارتفاعات بسیار سخت سنگی و جنگلی عبور کنند، ساعت‌ها در گروگذاشتن جان برای نان زندگی هزاران نفر کولبر شده است.

حکومت اسلامی ایران هر روز تعداد مرزبانان را بیشتر و آنها را با تجهیزات جنگی و ساچمه‌ای مسلح کرده است.

در آبان و آذرماه سال جاری شمسی (۱۴۰۲) چندین کودک کولبر در حین کولبری در مرزهای کردستان مجروح شده‌اند که بالاترین آمار طی سال‌های اخیر بوده است. اسامی و هویت کودکان کولبر زخمی آبان‌ماه:

۱- شهرام امینی ۱۷ ساله اهل سقز، در تاریخ ۹ آبان ۱۴۰۲ در مرز بانه در اثر انفجار مین مجروح شد.

۲- مبین (فامیلی نامشخص) ۱۶ ساله و اهل نودشه، در تاریخ ۱۷ آبان ۱۴۰۲ در مرز نودشه با شلیک مستقیم نیروهای هنگ مرزی مجروح شد.

۳- آریین محمدی ۱۴ ساله و اهل سنندج، در تاریخ ۲۳ آبان ۱۴۰۲ در مرز بانه با شلیک مستقیم نیروهای هنگ مرزی زخمی شد.

۴- ایمان (فامیلی نامشخص) ۱۷ ساله و اهل سنندج، در تاریخ ۲۳ آبان ۱۴۰۲ در مرز بانه با شلیک مستقیم نیروهای هنگ مرزی زخمی شد.

۵- بارزان عثمانی ۱۷ ساله و اهل سقز، در تاریخ ۲۴ آبان ۱۴۰۲ در مرز بانه با شلیک مستقیم نیروهای هنگ مرزی زخمی شد.

۶- حمیدرضا حافظی ۱۷ ساله و اهل سقز، در تاریخ ۲۴ آبان ۱۴۰۲

در مرز بانه با شلیک مستقیم نیروهای هنگ مرزی زخمی شد.

۷- فرزاد حسینی ۱۷ ساله و اهل سقز، در تاریخ ۲۴ آبان ۱۴۰۲ در مرز بانه با شلیک مستقیم نیروهای هنگ مرزی زخمی شد.

۸- ماهان موسوی ۱۶ ساله و اهل سقز، در تاریخ ۲۷ آبان ۱۴۰۲ در مرز بانه با شلیک مستقیم نیروهای هنگ مرزی زخمی شد.

۹- سرکوت عباسی ۱۶ ساله و اهل سقز، در تاریخ ۲۶ آبان ۱۴۰۲ در مرز بانه با شلیک مستقیم نیروهای هنگ مرزی زخمی شد.

۱۰- دانا فرج‌پور ۱۷ ساله و اهل سقز، در تاریخ ۲۶ آبان ۱۴۰۲ در مرز بانه با شلیک مستقیم نیروهای هنگ مرزی زخمی شد.

۱۱- زانا دهقان، کودک کولبر ۱۷ ساله اهل شهر سقز با تیراندازی نیروهای هنگ مرزی در نوار مرزی هه‌نگه‌ژال بانه زخمی شد.

۱۲- سیروان شریفی، کودک کولبر ۱۷ ساله با تیراندازی نیروهای هنگ مرزی در مرز هه‌نگه‌ژال بانه زخمی شد.

۱۳- سیروان شریفی، کودک کولبر ۱۷ ساله با تیراندازی نیروهای هنگ مرزی در مرز هه‌نگه‌ژال بانه زخمی شد.

اسامی سه کودک کولبر جان‌باخته در ارتفاعات برفی مریوان - اورامان به نام‌های فرهاد خسروی ۱۴ ساله، آزاد خسروی ۱۷ ساله و اسماعیل ساوجی نژاد ۱۶ ساله شوک بزرگ انسانی و اجتماعی بود که برای مردم فراموش‌شدنی نیستند.

فاروق علیزاده، کودک ۱۷ ساله کولبر، بامداد یکشنبه، ۵ آذر (۲۶ نوامبر)، در مرز هنگه‌ژال بانه با شلیک مستقیم نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران کشته شد. با کشته شدن این کودک کولبر، شمار کولبران کشته شده در مرز بانه در دو ماه اخیر به هفت نفر رسید. پنج تن از این کولبران پس از سفر سه هفته پیش ابراهیم رئیسی به کردستان و اظهار مخالفت او با کولبری، کشته شده‌اند.

با استناد به آمار ثبت شده در مدیای اجتماعی (کولبر نیوز و هه‌نگو) از ابتدای پاییز، از اول مهرماه تا اول آذرماه ۱۴۰۲، جمعاً ۱۵۴ کولبر در مناطق مرزی کردستان بر اثر عواملی همچون تیراندازی مستقیم نیروهای هنگ مرزی، ضرب و شتم توسط نیروهای نظامی رژیم و رفتن روی مین، کشته و زخمی شده‌اند.

از این تعداد جمعاً ۹ کولبر کشته و ۱۴۵ کولبر نیز زخمی شده‌اند. از مجموع ۱۵۴ کولبری که کشته و زخمی شده‌اند ۱۴۱ مورد معادل (۹۲٪) با تیراندازی مستقیم نیروهای نظامی صورت گرفته است.

اسامی کودکان کشته شده، آمار سه ماه مهر، آبان و آذر سال ۱۴۰۲ سند گویایی است از جنایت‌های بی‌شمار حکومت اسلامی در ایران.

ما از شما تقاضا داریم علیه این توحش آشکارا ضدانسانی رژیم تبهکار اسلامی را تحت منگنه فشار قرار دهید و خواهان قطع شلیک توسط مرزبانان به طرف کولبران شوید. کودک کشتی کودکان کولبر را محکوم کنید و رژیم حکومت اسلامی ایران را به عنوان رژیم آپارتاید جنسیتی، ضد کودک تحریم کنید. از سازمان یونیسف تقاضا داریم، به جرم کودک‌کشی و تبدیل کردن زندگی به میدان جنگ و گرفتن حق حیات کودکان به جرم تلاش برای معیشت، رژیم تبهکار اسلامی را در دادگاه‌های بین‌المللی محاکمه کنید.

نسان نودینیان

دبیر کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

تلفن تماس و ایمیل آدرس

۰۰۴۹-۱۷۱۴۱۳۰۰۶۱

[nasan.nodinian@gmail.com](mailto:nasan.nodinian@gmail.com)

## حکومت اسلامی سرکوب اعتراضات را تشدید کرده است

به قصد برهم زدن امنیت کشور " به ده سال حبس و به اتهام "تبلیغ علیه نظام" به یک سال زندان، مجموعاً یازده سال حبس محکوم شده است.  
- روز ۱۴ آذرماه شریفه محمدی فعال کارگری در رشت بازداشت شد. از اتهامات وارده و نهاد بازداشت کننده وی اطلاعی در دست نیست.

- روز ۶ آذر محمد داوری فعال کارگری در شیراز به اتهام توهین به رهبری به سه سال حبس و دو سال تبعید به بردسیر کرمان و دو سال ممنوعیت از فعالیت رسانه‌ای و ابطال گذرنامه محکوم شد. همچنین دادگاه این فعال کارگری را به اتهام تبلیغ علیه نظام به یک سال و شش ماه زندان نیز محکوم کرده است.

- روز ۶ آذر احسان روازئی، کارگر ۳۴ساله اهل پرنده در هفده مرداد ۱۴۰۲ در ملایر به اتهام عضویت در گروه‌های "معاند و اجتماع و تبانی علیه نظام" بازداشت شد. او وکیل ندارد و همچنان در زندان اوین بلا تکلیف محبوس است.

- روز ۶ آذر حسین واحدی، از اعضای هیئت مدیره انجمن صنفی معلمان خراسان شمالی توسط شعبه ۱۰۳ دادگاه کیفری دو شهرستان بجنورد به یک سال حبس محکوم شد. حکم صادره به مدت سه سال به حالت تعلیق درآمده است.

- روز ۹ آذر رضا اقدسی، فعال کارگری و از کارگران اخراجی ایران خودرو با دو پرونده در یکی از پرونده‌ها به ۸ ماه حبس و در پرونده دیگرش با ۳ سال و هفت ماه حبس محکوم شد.

کارگران بازداشتی ذوب آهن اصفهان، کارگران زندانی، معلمان دریند و تمامی زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قیدوشرط آزاد شوند. با قدرت اعتراضات سراسری برای آزادی تمامی زندانیان سیاسی فشار بیاوریم و در زندان‌ها را باز کنیم.

**کمپین برای آزادی کارگران زندانی**

۵ دسامبر ۲۰۲۳

<https://www.free-them-now.com/>

**کارگر با کار فود ارزش اضافه تولید می‌کند و این ارزش اضافه**

**نه فقط سرمایه را رشد می‌دهد، بلکه بخشی از آن به اجاره و**

**بهره زمین و بهره بانکی و مالیات و در آمد واسطه‌ها و**

**دلالت بی‌شمار افتصاص می‌یابد. حقیقت این است که**

**همین ارزش اضافه ایجاد شده توسط کارگر است که هزینه**

**دولت، ادارات، ارتش و نیروی سرکوب و زندان و کل درآمد**

**اجتماعی را تأمین می‌کند. هرچه کارگر بهتر کار کند**

**دشمنانش ثروتمندتر و قوی‌تر می‌شوند.**

**(کاظم نیکفوا - سرمایه داری (یا بشناسیم))**

- امروز چهاردهم آذرماه کارگران ذوب آهن در ادامه سه روز اعتراض قدرتمند هزاران نفره خود برای کارت زدن به کارخانه رفتند؛ اما پیش از ورود ۱۰۰ نفر از کارگران به کارخانه جلوگیری شد. طبق گزارشات در حرکت اعتراضی روز سیزدهم آذرماه کارگران ذوب آهن و اعتصاب آنها از همان آغاز صبح حراست از تجمع کارگران ممانعت به عمل آورد و تعدادی از کارگران بازداشت شدند. مسعود ستایشی از بخش اتوماسیون مخابرات و حاج محمودی از بخش خرید تجهیزات اسامی دو تن از بازداشت شدگان ذوب آهن است. حاجی محمودی از کارگران معترضی است که دزدی‌های کوهی مدیرعامل بسیجی این شرکت را بر ملا کرده بود. کارگران ذوب آهن طی بیانیه‌ای بر آزادی فوری همکاران بازداشتی و لغو ممانعت از ورود کارگرانی که کارت ورودشان گرفته شده، هستند.

- روز ۱۴ آذر مسعود ستایشی، سخنگوی قوه قضائیه جمهوری اسلامی در نشستی خبری در مورد بازداشت دوباره توماج صالحی، هنرمند و خواننده رپ معترض و محبوب مردمی گفت: "انتظارمان این است کسانی که مورد رأفت قرار می‌گیرند دوباره مرتکب جرم نشوند اما دیدید که ایشان بعد از آزادی در یکی از شهرستان‌های استان شمالی نکاتی را گفت و بر اساس تکلیفی که دادسرای مربوطه داشت، این فرد را احضار و اتهامات جدید را به او تفهیم و قرار قانونی وثیقه نسبت به اتهامات جدید صادر و بر اساس پرونده‌ای که قبلاً مفتوح بوده نیز آن قرار را تشدید کرد". ستایشی از ادامه بازداشت موقت توماج صالحی و بررسی سریع پرونده خبر داد. این گفته‌ها عکس‌العملی در مقابل بازتاب گسترده خبر دستگیری مجدد توماج صالحی و اعتراضات به این دستگیری است.

توماج صالحی در روز بیست و هفتم آبان‌ماه پس از تحمل بیش از یک سال حبس که ۲۵۲ روز آن را در انفرادی بود، با قید وثیقه از زندان دستگرد اصفهان آزاد شد. او مدتی پس از آزادی در ویدئویی به جزئیاتی از شکنجه خود در طول دوران بازداشتش را افشا کرد. افشاگری‌های او کیفرخواستی علیه زندان و شکنجه از سوی این چهره محبوب و شجاع مردمی است. در عکس‌العمل به این افشاگری‌هاست که توماج صالحی در روز نهم آذر توسط نیروهای امنیتی لباس شخصی مجدداً دستگیر شد.

- روز چهاردهم آذرماه نیروهای حراست حکم به تبعید لیدا اسماعیلی از معلمان استان البرز به شهر بندرعباس در استان هرمزگان دادند؛ اما با فضای اعتراضی ناچار به لغو آن شدند. کانون صنفی معلمان خبر داده است که زیر فشار اعتراضات حکم تبعید او به بندرعباس لغو شد. اما علی‌رغم لغو شدن این تبعید، نیروهای حراستی بلافاصله مدیران ادارات را تحت فشار قرار دادند و در نهایت نیروهای امنیتی شاغل در پست حراست بدون هیچ حکمی از مراجع رسیدگی به تخلفات و مراجع قضایی، حکم تبعید لیدا اسماعیلی به شهرستان فردیس کرج را ابلاغ و اجرایی کردند. از سوی دیگر لیدا اسماعیلی با حکم هیئت رسیدگی بدوی به تخلفات اداری به بازنشستگی اجباری و کسر گروه محکوم شده و این فعال معترض در فرصت قانونی به رأی صادره اعتراض نموده است و رسیدگی به اعتراض ایشان در جریان است. تبعید و بازنشستگی اجباری از جمله احکام سرکوبگرانه حکومت در قبال معلمان معترض و مبارزات آنهاست.

- بنا بر خبر منتشر شده در روز ۱۴ آذر سیوان ابراهیمی، معلم، از اعضای هیئت مدیره انجمن فرهنگی - اجتماعی نوژین، مدرس زبان کردی و از بازداشت شدگان انقلاب زن زندگی آزادی توسط شعبه اول دادگاه انقلاب سنندج به یازده سال حبس محکوم شد. این حکم در یازده آذر به وی ابلاغ شد. سیوان ابراهیمی از بابت اتهام "تشکیل گروه و دسته‌جات

## بیانیه سندیکاهای بزرگ فرانسه علیه اعدام‌ها و سرکوبگری‌های حکومت در ایران

پنج فدراسیون سندیکایی کارگری در فرانسه، کنفدراسیون دموکراتیک کار فرانسه (CFDT)، کنفدراسیون عمومی کار (CGT)، فدراسیون متحد سندیکایی (FSU)، اتحاد سندیکایی همبسته، و اتحادیه ملی سندیکاهای خودگردان (UNSA) با انتشار بیانیه‌ای گسترش و تشدید اعدام‌ها در ایران را محکوم کردند. در مقدمه این بیانیه چنین آمده است: "ما اخبار بسیار نگران‌کننده‌ای از ایران دریافت می‌کنیم. رژیم دیکتاتوری در برابر خشم اجتماعی و مردمی نسبت به بحران اقتصادی، با سوءاستفاده از معطوف شدن افکار عمومی جهانی به جنگ جاری در غزه، به تشدید سرکوب روی آورده است."

اتحادیه‌های کارگری فرانسه در این بیانیه به تشدید سرکوبگری‌های حکومت در قبال اعتراضات کارگران، بازنشستگان، فعالین دفاع از حقوق زن، فعالین دفاع از کارگران، دگراندیشان و کسانی که باورهای مخالف با اعتقادات حکومت را دارند، و وکلای دادگستری اشاره کرده و نمونه‌های اخیر این سرکوب‌ها از جمله دستگیری ریحانه انصاری نژاد (فعال کارگری)، عثمان اسماعیلی و اسماعیل گرامی (کارگران بازنشسته و زندانیان سابق)، رضا اقدسی (کارگر اخراجی، معلول بیمار و ناشنوا) را نام می‌برند.

این بیانیه به زنان به‌عنوان اولین قربانیان حکومت اسلامی اشاره کرده و از آرمیتا گراوند که به دلیل نداشتن حجاب به قتل نام‌برده و در رابطه با تشدید اعدام‌ها می‌نویسد: "حاکمیت در تلاش برای ایجاد رعب و وحشت در میان مردم بر میزان اعدام‌ها، به‌ویژه اعدام‌ها در انظار عمومی را به شدت افزایش داده است." از ۷ اکتبر تا کنون، رژیم بیش از ۱۲۰ نفر از جمله ده‌ها مخالف سیاسی و فعالان جنبش‌های اجتماعی را اعدام کرده است. در این بیانیه به نمونه‌هایی از اعدام‌های اخیر از جمله اعدام قاسم آبسته که پس از ۱۴ سال حبس اعدام شد و میلاد زهره وند اشاره شده است.

بیانیه سندیکای فرانسه در خاتمه بر همبستگی بین‌المللی تأکید کرده و کلیه سازمان‌ها و شخصیت‌های مدافع حقوق انسانی و حقوق مزدبگیران را به اعتراض به مقامات ایرانی فراخوانده و ضمن محکوم کردن سرکوبگری‌های حکومت بر عملی شدن خواست‌هایی تأکید می‌کند که

عبارت‌اند از: لغو مجازات اعدام، لغو کلیه محکومیت‌های ناعادلانه مغایر با حقوق و آزادی‌های پایه‌ای، آزادی فوری و بدون قیدوشرط کلیه فعالانی که به دلیل عقاید، یا به‌خاطر فعالیت‌های اتحادیه‌ای و مدنی زندانی شده‌اند، آزادی شهروندان خارجی از جمله سسیل کوهلر و ژاک پاری و منع پیگرد آنها و رعایت قراردادهای بین‌المللی از سوی رژیم ایران، به‌ویژه قراردادهای سازمان جهانی کار (آی ال او) که ایران عضو آن است، از جمله قراردادهای مربوط به آزادی تشکل، تظاهرات، اعتصاب و مذاکره دسته‌جمعی.

بیانیه حمایتی سندیکاهای بزرگ فرانسه گفتمان اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار را بسیار تقویت می‌کند و باید این اتحادیه‌ها را به طرح این خواست در آی ال او ترغیب کرد.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی  
۵ دسامبر ۲۰۲۳

**زن** **زندگی** **آزادی**  
**یعنی به گور سپردن حکومت و سلطه مذهبی**  
**و قطع دست مذهب و نهادهای مذهبی از**  
**زندگی مردم**

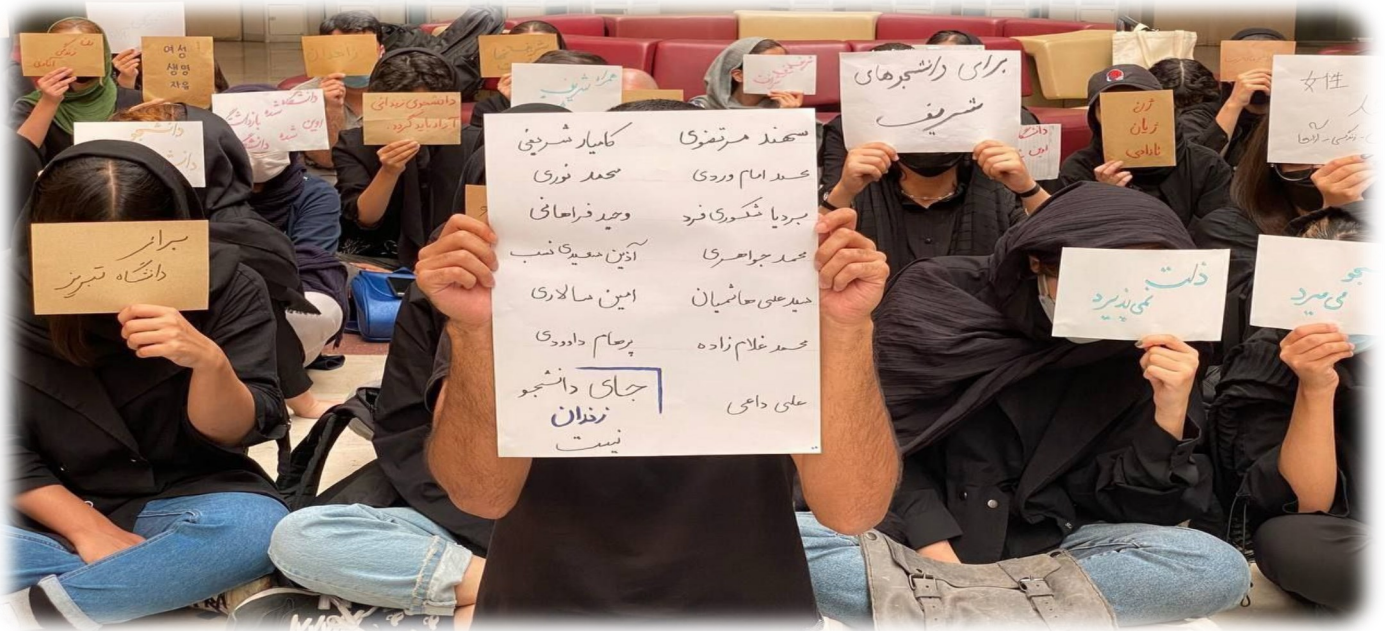


مذب کمونیست کارگری ایران  
Worker-Communist Party of Iran



POLITICAL PRISONERS IN IRAN ARE  
SUBJECTED TO PHARMACOLOGICAL  
TORTURE





## انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: میلاد رباعی

ادیتور: کاظم نیکخواه

مسئول فنی: سروناز سینایی

[anternasional@yahoo.com](mailto:anternasional@yahoo.com)

[milad.rabei@gmail.com](mailto:milad.rabei@gmail.com)

[kazem.nikkhah@gmail.com](mailto:kazem.nikkhah@gmail.com)

انترناسیونال هر هفته شنبه‌ها منتشر می‌شود

فیسبوک: [www.facebook.com/wpiarn](http://www.facebook.com/wpiarn)

اینستاگرام: [www.instagram.com/wpi91](http://www.instagram.com/wpi91)

تلگرام: [telegram.me/wpi\\_hkki](https://t.me/wpi_hkki)

وبسایت: [www.wpiran.org](http://www.wpiran.org)

ماهواره پناه ست

فرکانس، ۱۱۷۶۶

پولاریزاسیون، عمودی

سیمبل ریت، ۲۷۵۰۰

اف ای سی، ۷/۸

ماهواره یوتلست

فرکانس، ۱۱۳۸۷

پولاریزاسیون، عمودی

سیمبل ریت، ۲۷۵۰۰

اف ای سی، ۵/۶

KANAL جدید  
کانال جدید

پخش زنده آنلاین:

پخش زنده

[newchannel.tv/live/tv](http://newchannel.tv/live/tv)

فرکانس های

تلویزیون کانال جدید

در ماهواره های:

[www.newchannel.tv](http://www.newchannel.tv)  
[nctv.tamas@gmail.com](mailto:nctv.tamas@gmail.com)